

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش (countable / uncountable Nouns)

تشخیص بین اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در انگلیسی بسیار مهم است هم به خاطر شناسه های قبل از آنها و هم به خاطر فعل هایی که بعد از آنها به کار می روند.

اسامی قابل شمارش

اسامی قابل شمارش آنهایی هستند که می توانیم با استفاده از عددها آنها را بشماریم. و هر دو شکل مفرد و جمع دارند. شکل مفرد آنها می تواند شناسه (حرف تعریف) a یا an قبل از خود بگیرد. اگر بخواهیم در مورد کمیت (تعداد) اسامی قابل شمارش سوال بپرسیم باید از "How many...?" استفاده کنیم که بعد از آن اسم قابل شمارش جمع به کار رفته است.

Singular (مفرد)	Plural (جمع)
one dog	two dogs
one horse	two horses
one man	two men
one idea	two ideas
one shop	two shops

مثال:

She has **three dogs**.

I own **a house**.

I would like **two books** please.

**How many friends** do you have?

اسامی غیر قابل شمارش

اسامی غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که نمی توانیم با عدد بشماریم. این اسم ها ممکن است اسامی مفاهیم غیر قابل لمس یا انتزاعی مانند ایده ها یا کیفیت ها باشند و یا برای مفاهیم فیزیکی به کار بروند که بسیار کوچک یا بدون شکل منظم هستند که به هم پیوسته باشند (مانند مایعات، پودرها و...). اسامی غیر قابل شمارش همیشه با فعل مفرد به کار می روند و معمولاً شکل جمع ندارند مگر اینکه در مفهوم دیگری به کار بروند (مثلاً waters به معنی اقیانوس ها).

مثال:

- |         |             |            |
|---------|-------------|------------|
| ▪ tea   | ▪ knowledge | ▪ money    |
| ▪ sugar | ▪ beauty    | ▪ research |
| ▪ water | ▪ anger     | ▪ safety   |
| ▪ air   | ▪ fear      | ▪ evidence |
| ▪ rice  | ▪ love      |            |

با این اسامی حروف تعریف a/an به کار نمی روند و برای بیان کمیت (مقدار) آنها از کلماتی مانند some, a lot of, much, a bit of, a great deal of, a cup of, a bag of, 1kilogram of, 1Liter, a handful of, a pinch of, an hour of, a day of, ..... of, استفاده می کنیم و یا از کلمات بیان اندازه بسته به نوع اسم استفاده می کنیم مانند

اگر بخواهیم در مورد کمیت این اسامی سوال بپرسیم باید از عبارت "How much...?" همراه با اسم غیر قابل شمارش استفاده کنیم.

مثال:

There has been **a lot of research** into the causes of this disease.

He gave me **a great deal of advice** before my interview.

Can you give me **some information** about uncountable nouns?

He did not have **much sugar** left.  
Measure **1 cup of water, 300g of flour, and 1 teaspoon of salt.**  
How much rice do you want?

### نکات مهم

\*بعضی از اسامی در برخی زبان ها ممکن است قابل شمارش باشند اما در زبان انگلیسی قابل شمارش نیستند. این اسامی باید از قوانین اسامی غیر قابل شمارش انگلیسی پیروی کنند. مهمترین این اسامی عبارتند از:

*accommodation, advice, baggage, behavior, bread, furniture, information, luggage, news, progress, traffic, travel, trouble, weather, work*

مثال:

I would like to give you **some advice.**  
**How much bread** should I bring?  
I didn't make **much progress** today.  
This looks like **a lot of trouble** to me.  
We did **an hour of work** yesterday.

\*در مورد واژه hair (مو) دقت کنید که این اسم به طور طبیعی غیر قابل شمارش است بنابراین به صورت قابل شمارش به کار نمی رود. فقط زمانی که به یک تار مو اشاره کند می تواند به صورت قابل شمارش (مفرد) به کار برود.

مثال:

She has long blond hair. (اشاره به کل موی سر.)  
The child's hair was curly. (اشاره به کل موی سر.)  
I washed my hair yesterday. (اشاره به کل موی سر.)  
My father is getting a few grey hairs now. (اشاره به تارهای مو.)  
I found a hair in my soup! (اشاره به یک تار مو.)

### شناسه های اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

شناسه هایی کمی به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: few/ a few / many که برای بیان تعداد کم و تعداد زیاد هستند همیشه با اسامی قابل شمارش جمه به کار می روند.

**A few students** are absent today. (تعدادی دانش آموز امروز غایب هستند.)  
**Few students** are absent today. (تعداد کمی دانش آموز امروز غایب هستند.)

دسته دوم: much / a little / little که برای بیان مقدار کم و زیاد همیشه با اسامی غیر قابل شمارش به کار می روند.

He doesn't have **much** time. او وقت زیادی ندارد.  
He has got **a little** time. او وقت کمی دارد.  
He has got **little** time. او وقت بسیار اندکی دارد.

دسته سوم: some / a lot of / lots of که هم برای بیان مقدار و هم بیان تعداد کاربرد دارند و عینی هم می توان آنها را برای اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیر قابل شمارش به کار برد.

He has bought **some bread**. (او مقداری نان خریده است.)  
He has given **some books** to me. (او تعدادی کتاب به من داده است.)  
He drinks **a lot of milk** every day. (او هر روز شیر زیادی می نوشد.)  
He has read **a lot of story books** so far. (او تاکنون کتاب های داستان زیادی خوانده است.)

نکته ۱: کاربرد lots of و plenty of هم مانند یکدیگر است.

نکته ۲: در جملات سوالی و منفی معمولاً برای بیان مقدار یا تعداد اسامی به جای شناسه های عادی از any استفاده می شود.

### نمونه هایی از اسامی قابل شمارش

هر چیزی که قابل شمردن باشد چه مفرد و چه جمع یک اسم قابل شمارش است. دقت کنید که فعل های مفرد برای اسامی قابل شمارش مفرد و فعل های جمع برای اسامی قابل شمارش جمع به کار می روند.

1. There are at least twenty Italian **restaurants** in Little Italy.
2. Megan took a lot of **photographs** when she went to the Grand Canyon.
3. Your **book** is on the kitchen **table**.
4. How many **candles** are on that **birthday cake**?
5. You have several **paintings** to study in art appreciation **class**.
6. There's a big brown **dog** running around the **neighborhood**.

### نمونه هایی از اسامی غیر قابل شمارش

هر چیزی که قابل شمردن نباشد یک اسم غیر قابل شمارش است. گرچه اسامی غیر قابل شمارش اجسام منفک و جداگانه ای نیستند اما فعل به کار رفته بعد از آنها باید فعل مفرد باشد.

1. There is no more **water** in the pond.
2. Please help yourself to some **cheese**.
3. I need to find **information** about Pulitzer Prize winners.
4. You seem to have a high level of **intelligence**.
5. Please take good care of your **equipment**.
6. Let's get rid of the **garbage**.

اسامی غیر قابل شمارش می توانند همراه با کلماتی که مفهوم جمع دارند به کار بروند که به این کلمات عبارت های بیان اندازه می گوئیم.

- **Garbage** – There are nine bags of garbage on the curb.
- **Water** – Try to drink at least eight glasses of water each day.
- **Advice** – She gave me a useful piece of advice.
- **Bread** – Please buy a loaf of bread.
- **Furniture** – A couch is a piece of furniture.
- **Equipment** – A backhoe is an expensive piece of equipment.
- **Cheese** – Please bag ten slices of cheese for me.

### تمرینات اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

#### Is the underlined noun countable or uncountable?

1. The children fell asleep quickly after a busy day of fun.
2. Be careful! The water is deep.
3. The parade included fire trucks and police cars.
4. We like the large bottles of mineral water.
5. My mother uses real butter in the cakes she bakes.
6. How many politicians does it take to pass a simple law?
7. Most kids like milk, but Joey hates it.
8. Most pottery is made of clay.
9. Michael can play several different musical instruments.

10. I was feeling so stressed that I ate an entire box of cookies.

## عبارات بیان کننده اندازه

کاربرد این عبارات وقتی است که بخواهیم از مقدار یا اندازه یک اسم غیرقابل شمارش آگاهی پیدا کنیم. معروفترین عبارات اندازه گیری که با اسامی غیرقابل شمارش به کار می روند.

### Food

A bowl of rice  
A dish of spaghetti  
A pound of meat/  
cheese  
A piece of cake/pie  
A can of soup  
A box of cereal  
A bag of flour  
A carton of ice cream  
A jar of peanut butter  
A loaf of bread  
A slice of bread/pizza  
A package of pasta  
A dash of salt  
A cube of ice  
A pack of gum  
A head of lettuce/  
cabbage  
An ear of corn  
A kernel of corn  
A grain of wheat/salt  
A stalk of celery  
A clove of garlic

### Liquid

A teaspoon of medicine  
A tablespoon of vinegar  
A glass of water  
A cup of coffee  
A pint of blood  
A quart of milk  
A half gallon of juice  
A gallon of punch  
A tank of gas  
A jug of lemonade  
A bottle of wine  
A drop of rain

### Personal items

A bar of soap  
A tube of toothpaste  
A container of shampoo  
A stick of deodorant  
A bottle of perfume/cologne  
A roll of toilet paper  
A ball of cotton

### Sewing items

A spool of thread  
A yard/meter of ribbon  
A (square) foot/meter of fabric/cloth

### Stationery

A piece of paper  
A pad of paper  
A roll of tape  
A stick/piece of chalk  
A bottle/tube of glue  
A jar of paste  
A pair of scissors

تعدادی دیگر از بیان کننده های اندازه عبارتند از:

a **bag** of flour / rice / sugar  
a **bar** of chocolate / gold/ soap  
a **bottle** of coke / milk/ water/  
a **bowl** of cereal /rice / soup  
a **box** of cereal / paper  
a **can** of cream / meat / tuna  
a **carton** of ice-cream / orange juice / milk  
a **cup** of hot chocolate / coffee / tea  
a **drop** of blood / oil / water  
a **glass** of juice / water / milk

a **grain** of rice / sand / truth  
an **item** of clothing / expenditure / news  
a **jar** of honey / jam / peanut butter  
a **piece** of advice / furniture / paper  
a **roll** of paper / tape / toilet paper  
a **slice** of bread / cheese / meat / toast  
a **spoonful** of sugar / syrup  
a **tablespoon** of butter / honey / ketchup  
a **teaspoon** of pepper / medicine / salt  
a **tube** of glue / toothpaste

نکته:

۱. عبارات بیان کننده اندازه خودشان قابل شمارش هستند.

*one slice* of toast → *two slices* of toast, etc.

۲. بعضی از اسامی اقلام ممکن است گاهی قابل شمارش و گاهی غیر قابل شمارش باشند. بستگی به نوع ترکیب و نحوه عرضه آن کالا

دارد.

**A bar of chocolate** (غیر قابل شمارش. چون به صورت یک مفهوم غیر قابل تفکیک در نظر گرفته می شود.)

**A box of chocolates** (قابل شمارش. چون به صورت چندین دسته اقلام جدا از هم در نظر گرفته می شود.)

تمرینات و تست ها

**Use a/an/some**

- |   |   |
|---|---|
| 1. I have..... good idea.                     | 7. I have.....homework to do for tomorrow.    |
| 2. That's .....interesting job!               | 8. There's.....nice girl in the red car.      |
| 3. They have found.....gold in that old mine. | 9. Would you like.....milk with your cookies? |
| 4. Do the Smiths have.....yellow van?         | 10. How about.....grapes?                     |
| 5. Look! He's having.....sandwiches.          |   |
| 6. He always likes.....piece of chocolate.    |   |

**Use a little / a few**

- |                  |                 |                         |
|------------------|-----------------|-------------------------|
| 11. ....sugar    | 19. ....coffee  | 5. ....bottles of water |
| 12. ....time     | 20. ....hobbies | 6. ....coal             |
| 13. ....houses   |                 | 7. ....scarves          |
| 14. ....cheese   |                 | 8. ....information      |
| 15. ....cars     |                 | 9. ....dollars          |
| 16. ....money    |                 | 10. ....sand            |
| 17. ....children |                 |                         |
| 18. .... girls   |                 |                         |

**Use a little / a few**

- |                    |
|--------------------|
| 1. ....electricity |
| 2. ....suitcases   |
| 3. ....rice        |
| 4. ....water       |

**Use how much or how many**

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| 1. .... stars are there in the sky? | 6. ....countries are there in the world?  |
| 2. ....people live on islands?      | 7. ....bread is eaten per day?            |
| 3. ....birds are there?             | 8. ....bones are there in the human body? |
| 4. ....water is in the ocean?       | 9. ....sand is in the deserts?            |
| 5. ....money is in a bank?          | 10. .... information is on the internet?  |

**much or many?**

- |  |  |
|--|--|
| 1. ....pupils                                | 6. ....children                          |
| 2. ....time                                  | 7. ....water                             |
| 3. ....money                                 | 8. .... fun                              |
| 4. ....dollars                               | 9. ....dogs                              |
| 5. ....milk                                  | 10. ....people                           |
| 11. How..... players are in a handball team? | 14.How.....sisters does Ella have?       |
| 12.How.....pocket money do you get           | 15.How.....coins did you find yesterday? |
| 13.How ..... time is left?                   | 16.How .....water is in this bottle?     |

17. How ..... crosswords did she solve?  
 18. How ..... milk do they have for breakfast?  
 19. How ..... bikes were stolen last year?  
 20. How ..... coffee do your parents drink?

**Much, many, a lot, lots**

1. How ..... people are coming?  
 a. lots            b. much            c. a lot            d. many
2. How ..... does the book cost?  
 a. much            b. many            c. lots            d. a lot
3. Do you need ..... milk for this recipe?  
 a. many            b. big            c. much            d. much of
4. I need to practice piano ..... before the concert.  
 a. much            b. very            c. many            d. a lot
5. I have ..... of homework to do before tomorrow.  
 a. a ton            b. a tan            c. a million            d. a much
6. How ..... water do you drink every day?  
 a. many            b. much            c. lots of            d. very
7. You are ..... smart.  
 a. much            b. many            c. very            d. lots
8. I have ..... of friends.  
 a. much            b. very            c. lots            d. many
9. You are a ..... honest person.  
 a. ton            b. very            c. many            d. much
10. Do you have ..... ants in your house?  
 a. much            b. many            c. a lot            d. very

**Some, any, few, little**

1. Wow! Look at that! How ..... books do you have on your shelf? I have to tell you, it's quite a great collection!  
 a. much            b. many            c. any            d. some
2. Would you like ..... juice?  
 a. a            b. an            c. some            d. much
3. How ..... money do you have?  
 a. much            b. more            c. many            d. often
4. I only have ..... dollars.  
 a. some            b. any            c. a little            d. a few
5. I want to make orange juice. Have you got ..... oranges?  
 a. much            b. many            c. any            d. few
6. No, I don't have any. But I have ..... apples, if you'd like to make apple juice instead.  
 a. a little            b. some            c. any            d. few
7. There are ..... people trying to go to the U2 concert this weekend.  
 a. many            b. much            c. a little            d. any
8. How many gallons of water did you bring for the trip? — I just have ..... gallons.  
 a. much            b. any            c. a little            d. a few
9. Jessica spent a lot of money on her car. Now she only has ..... money left to pay for her living expenses.  
 a. many            b. a few            c. a little            d. much
10. How ..... time do you have left before you have to go to school?  
 a. some            b. much            c. many            d. any

**a, some, any,...**

1. We need ..... kilo of apples.  
 a. a                      b. some                      c. any                      d. many
2. Have you got ..... water?  
 a. any                      b. some                      c. a                      d. many
3. There's ..... newspaper on the table.  
 a. an                      b. some                      c. any                      d. a
4. I've got ..... salad sandwiches for my lunch today. You can have one of them.  
 a. a                      b. no                      c. any                      d. some
5. I haven't got ..... tea. Can you go to the corner store and buy some more?  
 a. any                      b. some                      c. a                      d. several
6. How about ..... cup of coffee?  
 a. a                      b. some                      c. any                      d. many
7. There are ..... grapes in the fridge.  
 a. a                      b. any                      c. some                      d. little
8. Is there ..... orange juice left in the fridge?  
 a. a                      b. some                      c. several                      d. any
9. I need ..... money to go shopping.  
 a. many                      b. any                      c. a                      d. some
10. We need to buy ..... bread rolls if you want to make hotdogs for your lunch.  
 a. a                      b. some                      c. any                      d. an

زمان حال کامل (ماضی نقلی) (Present Perfect)

می‌دانیم که در زبان انگلیسی ۴ زمان اصلی وجود دارند که عبارتند از: حال، گذشته، آینده و آینده در گذشته. هر یک از این زمان‌های اصلی به ۴ شاخه فرعی نیز تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری). در این درس به بررسی زمان حال کامل (ماضی نقلی) می‌پردازیم.

مفهوم حال کامل:

فعل‌های این زمان برای بیان کارهایی به کار می‌روند که در گذشته شروع شده و تمام شده‌اند اما اثر آنها تا زمان حال باقی است. مثلا شما وقتی می‌گویید غذا خورده‌ام مفهوم آن اینست که سیر هستید یعنی اثر غذا خوردن در شما وجود دارد.

ساختار زمان حال کامل:

اسم مفعول فعل اصلی + have /has + فاعل

- I have eaten my lunch. من ناهارم را خورده‌ام.
- You have eaten your lunch. تو ناهارت را خورده‌ای.
- He has eaten his lunch. او ناهارش را خورده است.
- She has eaten her lunch. او ناهارش را خورده است.
- It has eaten its lunch. آن ناهارش را خورده است.
- We have eaten our lunch. ما ناهارمان را خورده ایم.
- You have eaten your lunch. شما ناهارتان را خورده اید.
- They have eaten their lunch. آنها ناهارشان را خورده اند

برای تبدیل به سوال و منفی کردن جمله‌های این زمان از فعل have/has که در جمله‌ها وجود دارد استفاده می‌کنیم.

\*He has studied his lessons.

\*\*\*Has he studied his lessons?

\*\*\*\*He hasn't studied his lessons.

نکته: دو نشان دهنده اصلی زمان حال کامل عبارتند از for و since که for برای نشان دادن طول مدت زمان و since برای نشان دادن آغاز زمان هست.

\*\*I have lived in Rasht for 8 years. من به مدت ۸ سال در رشت زندگی کرده‌ام.

\*\*\*I have lived in Rasht since 1380. من از سال ۱۳۸۰ در رشت زندگی کرده‌ام.

البته قیده‌های دیگری نیز وجود دارند که نشان دهنده این زمان هستند:

Just همین الان

Already تاکنون، قبلا

Never هرگز

Ever تاکنون

این قیده‌ها بین فعل کمکی و اصلی می‌آیند و قیدهایی نیز هستند که در آخر جمله می‌آیند:

So far تاکنون

Before قبلا

Lately اخیرا

Recently به تازگی

\*\*yet به معنی هنوز در آخر جملات پرسشی و منفی می‌آید (البته بعد از not و در آخر جملات هم می‌آید)

\*\*still (هنوز) غالبا در جمله‌های منفی (قبل از منفی مخفف و در غیر مخفف‌ها بین فعل کمکی و not) می‌آید.



\*کلمات پرسشی برای زمان حال کامل عبارتند از how long که برای طول مدت زمان به کار می‌رود و since when که برای پرسش درباره زمان شروع به کار می‌رود.

**Put in the verbs in brackets into the gaps. Use Present Perfect.**

1. Karen .....me an e-mail. (to send)
2. Dave and Pat .....the museum. (to visit)
3. I .....at the pet shop. (to be)
4. They .....already .....their rucksacks. (to pack)
5. Marcus .....an accident. (to have)
6. We .....the shopping for our grandmother. (to do)
7. I .....just .....my bike. (to clean)
8. Emily .....her room. (to paint)
9. Lisa and Colin .....to a concert. (to go)
10. My friends .....smoking. (to give up)
11. The students .....a flight to Vienna. (to book)
12. The cat .....a mouse. (just/to catch)
13. Jack and Brian .....this picture. (just/to draw)
14. He .....his friends. (already/to invite)
15. Julia .....a table with three columns. (just/to make)
16. My friends .....the geography test. (to pass)
17. I .....the rabbits. (just/to feed)
18. The baby hedgehogs .....the water. You need to get more. (already/to drink)
19. The teacher .....the keys, so he can't open the door. (to lose)
20. We .....the worksheets. (already/to download)

**Choose the best answer**

1. Many people ..... tried but no-one has succeeded so far.  
a. did                      b. have been                      c. were                      d. have
2. .... ever heard of this writer before?  
a. Did you                      b. Have you                      c. Do you                      d. Will you
3. My bother .....In London for more than 20 years.  
a. was living                      b. is lived                      c. has lives                      d. lives
4. Have you ever .....to America?  
a. to be                      b. are                      c. be                      d. been
5. I know you but I .....your name.  
a. am forgetting                      b. have forgotten                      c. forget                      d. was forgetting
6. He has gone to a party and .....yet.  
a. returns                      b. hasn't returned                      c. is returning                      d. was returning
7. Look at the trees, the apples .....ripe.  
a. have gotten                      b. are gotten                      c. must get                      d. will get
8. I ..... in Tabriz since 1370 .  
a. have lived                      b. lived                      c. live                      d. will live
9. Reza ..... here for three years .  
a. worked                      b. has worked                      c. works                      d. was working
10. I have not seen Amir ..... last year .  
a. from                      b. since                      c. for                      d. in
11. Nahid ..... English for one year .  
a. studies                      b. studied                      c. is studying                      d. has studied
12. I have written my homework ..... 2 hours .  
a. since                      b. for                      c. from                      d. in
13. .... Ali's father read the newspaper ?

- a. Do    b. Is    c. Have    d. Has
14. Have the students learned English well ? – Yes , they .....
- a. do    b. haven't    c. are    d. have
15. A: Can I help you ?    B: Yes , .....
- a. it looks nice    b. I need a watch
- c. it is cheaper    d. it is my bag
16. I haven't seen Reza ..... yesterday .
- a. for    b. since    c. from    d. until
17. I ..... him two days ago .
- a. will visit    b. visited    c. have visited    d. visit
18. They ..... in Lahijan for two weeks .
- a. were    b. are    c. have been    d. been
19. I ..... this dictionary since 1360 .
- a. have    b. had    c. have had    d. had had
20. How long has your father ..... Farsi ?
- a. taught    b. teach    c. teaching    d. to teach

### افعال دو کلمه ای (phrasal verbs)

یکی از انواع دسته بندی ها در فعل ها زبان انگلیسی تقسیم بندی فعل ها به دو دسته تک کلمه ای و دو کلمه ای و بیشتر است. ما در این درس دسته دوم را افعال دو کلمه ای (phrasal verbs) می نامیم.

این نوع فعل ها از حداقل دو قسمت تشکیل شده اند که قسمت اول را پایه (base) و قسمت دوم را جز قیدی (particle) می نامیم. که به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) افعال دو کلمه ای جدانشدنی (separable)

ب) افعال دو کلمه ای جدانشدنی (inseparable)

الف) افعال دو کلمه ای جدانشدنی (separable) افعالی هستند که اگر مفعول آن ها اسم باشد می تواند قبل یا بعد از جزء قیدی قرار گیرد. اما اگر مفعول این فعل ها ضمیر باشد، این ضمیر حتماً باید در بین فعل و جزء قیدی قرار گیرد.

He took off his coat.

He took his coat off.

He took it off.

~~He took off it~~ (wrong)

### تعدادی از افعال دو کلمه ای جدانشدنی عبارتند از:

give up	رها کردن، کنار گذاشتن	call up	تلفن کردن
turn on	روشن کردن	look up	پیدا کردن لغت در دیکشنری
turn off	خاموش کردن	give back	پس دادن
turn up	صدا را زیاد کردن	take apart	جدا کردن، باز کردن دستگاه
turn down	صدا را کم کردن	find out	فهمیدن، پی بردن
put on	پوشیدن	put aside	کنار گذاشتن
take off	درآوردن لباس	write down	نوشتن، یادداشت کردن
pick up	برداشتن، بلند کردن	take away	بردن، دور کردن
wake up	بیدار کردن		

ب) افعال دو کلمه ای جدانشدنی (inseparable) افعالی هستند که مفعول آن ها چه به صورت اسم و چه به صورت ضمیر همیشه بعد از حرف اضافه یا جزء قیدی به کار می رود.

1. He is looking for his ruler.
2. He is looking for it.
3. ~~He is looking it for~~. (wrong)

look at	نگاه کردن به	listen to	گوش کردن به
look for	جستجو کردن	consist of	تشکیل شدن از
look after	مراقبت کردن از	concentrate on	تمرکز کردن روی
talk to/with	حرف زدن با	depend on	متکی بودن به
talk about	حرف زدن درباره	insist on	اصرار کردن
speak about	حرف زدن درباره	rely on	متکی بودن به
speak to/with	صحبت کردن با	search for	دنبال چیزی گشتن
think about/of	فکر کردن درباره		
wait for	منتظر بودن		

برخی از صفات نیز با حروف اضافه همراه هستند که در این صورت مفعول به صورت اسم یا ضمیر بعد از حروف اضافه قرار می‌گیرد.

to be responsible for (مسئول بودن)	to be different from (متفاوت بودن)
to be tired of (خسته بودن از)	to be afraid of (ترسیدن از)
to be similar to (شبيه بودن)	to be sorry about (متأسف بودن درباره‌ی)

به طور کلی افعالی که قسمت دوم آنها حروف اضافه هایی مانند on, off, back, out, up, away, apart هستند غالباً جدایی پذیرند.

#### تمرینات و تست ها

#### A. Use proper particle to complete the phrasal verb.

- I'm tired .....waiting for you.
- He hasn't smoked .....ages.
- Nina is good .....running.
- I'm looking.....my keys. Has anyone found them?
- They dream.....moving to South Africa.
- This song was written.....Madonna.
- You can look the word ..... in a dictionary.
- I can't come to the party. Don't wait..... me.
- She had problems.....reading the instructions.
- The police car chased the robbers.....the streets.

#### B. Choose the best answer.

- He is .....  
a. looking his car for    b. look for his car    c. looking for his car    d. look his car for
- I didn't like the film on TV, so I decided to .....  
a. turn it off    b. turn the TV off    c. turn off it    d. turn it off the TV
- A: "Did you give back their books?"    B: "Yes, I .....back."  
a. gave it    b. gave it the books    c. gave them    d. gave them the books
- When you finish using a stove, you should always be careful to .....  
a. turn it off it    b. turn it off    c. turn off it    d. turn the stove off it
- Do you know anyone who might be interested ..... buying an old car? (ensani 85)  
a. with    b. on    c. for    d. in
- He knows that I am not responsible ..... what they did yesterday.  
a. of    b. for    c. about    d. with
- Maggie is tired ..... the same work for a long time.  
a. to do    b. doing    c. of doing    d. from doing
- She told me to throw away the old books, so I .....

- a. threw away them                      b. threw them away  
 c. have thrown away them              d. them threw away
10. He's writing ..... his friend to inform him about his last improvements.  
 a. about                      b. at                      c. to                      d. of
11. When you come to a new word, it is not always necessary to look ..... in a dictionary.  
 a. it out                      b. up it                      c. out it                      d. it up
12. Is your brother interested ..... the football team?  
 a. on                      b. at                      c. to                      d. in
13. Did you turn ..... the television before you left home?  
 a. off                      b. out                      c. at                      d. into
14. Your opinion about the new government is different ..... mine.  
 a. with                      b. in                      c. for                      d. from
15. Would you mind turning ..... ?  
 a. up the television              b. the television up              c. it up                      d. 1&2&3
16. A: "Do you put on your jacket on rainy days? B: "Yes, I ....."  
 a. take it off                      b. put it on                      c. took it off                      d. put on it
17. They had called their friend ..... before they left house to the stadium.  
 a. off                      b. on                      c. up                      d. down
18. The radio must be on now because Frank ..... some minutes ago.  
 a. turned it off              b. turned it on              c. turn it off                      d. turned on it

### اسم مصدر (Gerund)

می دانیم که اگر فعلی علامت دستوری -ing بگیرد می تواند سه نقش دستوری داشته باشد.

الف) فعل: در زمانهای استمراری بعد از افعال to be به کار می رود.

ب) صفت: (در درس سوم و یژن ۲ بررسی خواهیم کرد)

ج) اسم: که به این اسم، اسم مصدر گفته می شود. اسم مصدر همانند هر اسم دیگری می تواند سه نقش بپذیرد:

۱. نقش فاعلی: که در این صورت همواره فعل آن مفرد خواهد بود.

Going to parties is fun.

Having dinner after 6:00 p.m. is unhealthy.

Teaching is a difficult job.

۲. نقش مفعولی: در این نقش معمولاً اسم مصدر بعد از افعال خاصی به کار می رود که لیست آنها در زیر می آید:

**enjoy/ finish /give up / imagine /quit / love/ /admit/ /avoid / carry on / consider / delay/ deny / dislike/ include/ involve / mention / keep (on) / mind / miss / practice / suggest**

He **admitted having** driven too fast.

They **avoid going** on holiday on Saturdays.

If we **carry on sleeping** so badly, we may need help.

Ralph is **considering buying** a new house.

I **delayed telling** Max the news.

She **denies reading** the book.

We **dislike reading** poems.

He **couldn't help falling** in love with her.

I **enjoy playing** chess.

They **finished working** in the garden.

Susan **gives up playing** ice-hockey.  
 He **imagined driving** a new car.  
 Your responsibility **includes taking** reservations on the phone.  
 The project will **involve growing** plants.  
 They **keep on running**.  
 Did Alex ever **mention playing** baseball?  
 I don't **mind sleeping** on the couch.  
 They **miss playing** with their friends.  
 She **practiced playing** hockey.  
 You **risk catching** a cold.  
 She **suggested flying** to Cairo.

علاوه بر فعل های ذکر شده بعضی اصطلاحات و عبارات خاص هم وجود دارند که بعد از آنها فعل باید به صورت اسم مصدر (-ing) به کار برود.

**to be busy / can't/couldn't help / don't mind / feel like / how about / it's (no) good / it's no use / spend one's time / there's no/ there's no point / what about / worth**

He **is busy reading** the paper.  
 I **don't mind telling** them my opinion.  
 We **feel like having** a cup of tea.  
**How about walking** home instead of **taking** the car?  
**It's no good talking** to this girl.  
**It's no use talking** to the headmaster.  
 They **spend their time reading**.  
**There's no cheating** anymore.  
**There's no point in complaining** further.  
**What about going** to the zoo?  
 The book is **worth reading**.

\*اگر بعد از فعل go فعل تفریحی سرگرمی ورزشی به کار برود حتما باید اسم مصدر باشد. مانند:

**go fishing / go skating / go sailing / go skiing / go jogging / go running / go swimming**

She went shopping with her friends  
 We didn't go swimming because it was cold.

۳. نقش متممی (مفعول حرف اضافه ای)

همانطور که از اسم آن پیداست اگر بعد از حروف اضافه شکلی از فعل به کار برود حتما باید اسم مصدر باشد. یعنی بعد از همه حروف اضافه فعل به شکل -ing دار به کار می رود. تعدادی از حروف اضافه عبارتند از:

**at/ by/ for/ against/ after/ about/ for/ on/ in/ with/ without / from / before / after / near / ,...**

1. Tom enjoys ..... (play) football with his friends.
2. I promised my mum ..... (buy) a cake for the party.
3. Helen was tired of .....(tidy) her room.
4. My sister advised me .....(see) that film.
5. We finished ..... (draw) the newspaper at 7 p.m.

6. They were keen on ..... (solve) different puzzles.
7. Forgive me for .....(break) your favorite Chinese vase.
8. I would like ..... (start) with mixed fruit salad.
9. Are you proud of ..... (win) this competition?
10. Don't allow your friends ..... (smoke) in your room.
11. Ben was good at ..... (make) things with his own hands.
12. Tim tried ..... (open) the door, but he didn't succeed.
13. She was famous for .....(sing) folk songs.
14. We wanted .....(buy) a new car last week.
15. I apologized for ..... (spill) coffee on Nancy's dress.
16. Mona knows how ..... (cook) tasty dishes.
17. Thank you for ..... (draw) such a nice portrait.
18. Pam hopes .....(learn) to pilot this wonderful helicopter.
19. My sister often thinks of .....(go) to Paris.
20. Could you ..... (ask) him .....(open) the window?
21. I'm interested in ..... (take) part in this conference.
22. Do your friends praise you for ..... (win) the game?
23. He hopes ..... (arrive) here next Monday.
24. Kate dislikes ..... (cook) at all.
25. Nick succeeded in ..... (write) computer programmers.
26. I don't like .....(write) letters to my friends.
27. Andrew insisted on .....(go) to the theater.
28. Avoid ..... (make) mistakes in your test.
29. I can't imagine Peter .....(go) by bike.
30. He agreed .....(buy) a new car.
31. The question is easy .....(answer).
32. The man asked me how .....(get) to the airport.
33. I look forward to .....(see) you at the weekend.
34. Are you thinking of .....(visit) London?
35. We decided .....(run) through the forest.
36. She doesn't mind .....(work) the night shift.
37. Peter gave up .....(smoke) .
38. He'd like .....(fly) an airplane.
39. I enjoy .....(write) picture postcards.
40. Avoid .....(make) silly mistakes.

**Fill in the blanks with appropriate forms of the verbs in parentheses.**

1. Mr. Akbari.....in Ahwaz for 5 years. (live)
2. Are you interested in ..... for us? (work)
3. The children are excited about ..... on holiday. (go)
4. They ..... good friends since May. (be)
5. .... is good for your health. (swim)
6. Zahra's favorite hobby is .....poems. ( write)
7. .... helps us learn English. (read)
8. Maryam .....English for 4 years. (learn)

9. ....can improve your skill in speaking French. (practice)
10. Reza enjoyed .....football at the stadium. (play)
11. We .....for you for 2 hours. (wait)
12. It .....here since last month. ( not to rain)
13. Has Sara finished.....her homework? (do)
14. Ali goes .....every day after work. (run)
15. My uncle gave up .....five years ago. (smoke)
16. He imagined .....a new car. (drive)

**Choose the best answer.**

1. The teacher asked the students ..... while he was teaching. (Ensani 85)
  - a. not be talking
  - b. not to talk
  - c. not talking
  - d. don't talk
2. The teacher told Amir ..... to class late any more.
  - a. doesn't come
  - b. don't come
  - c. not to come
  - d. that he hasn't come
3. The policeman said, "Don't park the car here". He warned me ..... the car there.
  - a. not parking
  - b. don't park
  - c. not to park
  - d. not park
4. Father always asks me ..... much money whenever I go shopping.
  - a. not spend
  - b. not spending
  - c. not to spend
  - d. don't spend
5. The boss asked us ..... his time any more.
  - a. not to waste
  - b. don't waste
  - c. not waste
  - d. not wasting
6. Peter reminded John not ..... to post the letters.
  - a. forgetting
  - b. to forget
  - c. forgotten
  - d. forget
7. Amir told us ..... for him if he was late another time.
  - a. don't wait
  - b. not waiting
  - c. not to wait
  - d. not wait
8. I hope I remember to ask the barber ..... give me a short hair cut.
  - a. don't
  - b. not to
  - c. didn't
  - d. won't
9. A: "What did he ask you to do next?" B: "He told me ..... my address for him."
  - a. write
  - b. that I write
  - c. that to write
  - d. to write
10. A: "What did you tell your friend?" B: "I told him ..... early."
  - a. don't sleep
  - b. not to sleep
  - c. that don't sleep
  - d. that not to sleep
11. The architect admitted ..... the whole building.
  - a. destroying
  - b. to destroy
  - c. destroy
  - d. destroyed
12. We enjoyed ..... to the radio on Friday morning.
  - a. listen
  - b. listening
  - c. listened
  - d. to listen
13. I insist on ..... part in the final exam.
  - a. you to take
  - b. your taking
  - c. you taking
  - d. you take
14. Please excuse his ..... you so many questions.
  - a. ask
  - b. asks
  - c. asking
  - d. being asked
15. I dislike .....in one place all day long. It makes me tired.
  - a. staying
  - b. stay
  - c. will stay
  - d. to stay
16. He ordered me .....
  - a. shut the door
  - b. that shut the door
  - c. the door to shut
  - d. to shut the door
17. Do you mind ..... this letter for me?
  - a. to mail
  - b. mail
  - c. mailed
  - d. mailing
18. A good student is always expected ..... clever and polite.
  - a. being
  - b. be
  - c. been
  - d. to be
19. I told them: "..... them to our party"
  - a. to invite
  - b. not to invite
  - c. invite
  - d. to invite not
20. I reminded Parvin ..... her book.
  - a. don't forget
  - b. not to forget
  - c. not forgetting
  - d. that not forget

21. The policeman asked the drivers ..... their cars in front of the hospital.  
a. don't park                      b. not to park                      c. hasn't parked                      d. wouldn't park
22. Young people are repeatedly told ..... before talking.  
a. to think                      b. think                      c. thinking                      d. thought
23. We expected him ..... us the truth, but he didn't.  
a. tell                      b. to tell                      c. told                      d. to telling
24. My mother made me ..... my teeth last night.  
a. to brush                      b. brushing                      c. brush                      d. brushed
25. I found out how ..... the problem.  
a. to solve                      b. solved                      c. solving                      d. solve
26. I prefer ..... to the cinema on Friday.  
a. to going                      b. go                      c. to go                      d. going
27. She decided ..... TV in the evening.  
a. not to watch                      b. not watch                      c. don't watch                      d. doesn't watch
28. he has tried ..... the life of the poor children.  
a. changing                      b. change                      c. changes                      d. to change
29. Don't forget ..... the letter tomorrow.  
a. posting                      b. post                      c. to post                      d. 1&3
30. The teacher suggested ..... the text again and again.  
a. reads                      b. to read                      c. reading                      d. having read
31. The army officer ordered the soldiers ..... the enemy forces.  
a. attack                      b. attacked                      c. attacking                      d. to attack



### جملات شرطی if clause

به طور کلی در زبان انگلیسی چهار نوع جمله شرطی وجود دارد که عبارتند از:

الف) شرطی نوع صفر: بیان کارهایی که به صورت طبیعی و صد در صد درست هستند. که معمولاً در این جمله به جای **if** از **when** استفاده می شود و به در هر دو جمله پایه و پیرو از زمان حال ساده استفاده می شود.  
مثال:

When you heat the ice, it melts. هر وقت یخ را گرم کنی ذوب می شود.

ب) شرطی نوع اول

ج) شرطی نوع دوم

د) شرطی نوع سوم

### جمله شرطی نوع اول (first type conditional)

جمله شرطی به جمله‌ای گفته می‌شود که در آن انجام کاری به شرایطی بستگی دارد که باید در جمله مهیا شود تا کار انجام گیرد. مثال:

If I go to the library, I will take the book for you.

جمله شرطی نوع اول در واقع دو جمله هستند که با استفاده از حرف ربط به هم متصل شده اند. جمله پایه زمان آینده ساده است و جمله پیرو زمان حال ساده. البته افعال modal مانند **can, may, should, must** هم به جای **will** در این نوع جمله به کار می رود.

ساختار شرطی نوع اول:

جمله زمان حال ساده + **if** + جمله زمان آینده ساده

در این ساختار دو جمله قابل جابجایی می‌باشند و حرف شرط (**if**) به همراه حال ساده نیز می‌تواند در ابتدای جمله به کار برود. به عبارت دیگر جمله شرطی نوع اول یک جمله آینده ساده است که قید آن جمله واژه ایست با زمان حال ساده که حرف ربط آن کلمه **if** است.

جمله زمان آینده ساده + جمله زمان حال ساده + **if**

مفهوم شرطی نوع اول اینست که این جمله واقعی است و برای بیان امکان انجام کاری در آینده به کار می‌رود.  
مثال:

If you study harder, you will succeed.

\*You will succeed if you study harder.

نکته: به جای جمله آینده ساده از جمله امری نیز می‌توان استفاده کرد.

Take the book for me if you go to the library.

نکته: به جای **if** می‌توان از **unless** در جملات منفی استفاده کرد. در همه جمله‌های شرطی منفی می‌توان از **unless** (مگر اینکه) نیز استفاده کرد.

You would fail the final exam if you didn't study hard.

You would fail the final exam unless you studied hard.

Unless you study harder, you won't succeed.

نکته: به جای **if** می‌توان از کلمات دیگری هم استفاده کرد که عبارتند از:

as long as تا مادامیکه

assuming (that) به فرض اینکه

on condition (that) در شرایطی که

on the assumption (that) با این فرض که

provided (that) به شرطی که

supposing (that) با این فرض که

with the condition (that) با این شرط که

-شکل درست فعل‌های داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

1. If the film .....good, I will watch it. (to be)
2. If you .....in a hurry, you can leave now. (to be)
- You'll get bad marks if you .....hard. (not practice)
4. We can eat at home if you .....or we can go to the restaurant. (to prefer)
5. Don't worry if I .....late tonight. (to come)

**جمله شرطی نوع دوم (conditional second type)**

این جملات نیز مانند جملات نوع اول هستند اما دارای تفاوت‌هایی در مفهوم و ساختار می‌باشند. شرطی نوع اول واقعی و شرطی نوع دوم غیر واقعی است.

ساختار شرطی نوع دوم: جمله گذشته ساده + **if** + جمله آینده در گذشته ساده (**would**)

که این ساختار به صورت زیر هم نوشته می‌شود:

**(would)** جمله آینده در گذشته ساده + **if** + جمله گذشته ساده

**مفهوم شرطی نوع دوم:** این نوع شرطی‌ها برای بیان کارهایی هستند که غیر واقعی بوده و احتمال انجام کار در حد صفر است. یعنی عملاً کاری واقع نخواهند شد. به عبارت دیگر جمله شرطی نوع دوم یک جمله آینده در گذشته ساده است که قید آن جمله واره ایست با زمان گذشته ساده که حرف ربط آن کلمه **if** است.

**مثال:**

If I went there I would tell them. اگر رفته بودم به آنها می‌گفتم.

نکته اول: در شرطی نوع دوم به جای فعل کمکی **was** از **were** استفاده می‌شود چون **were** از **was** رسمی‌تر است و این کار نیز غیر واقعی است.

نکته دوم: به جای **would** می‌توان از **could** و **might** هم استفاده کرد.

نکته سوم: می‌توان با حذف **if** از ابتدای جمله شرطی همان جمله را به شکل دیگری نیز نوشت. یعنی می‌توان جای فعل کمکی و فاعل را در ابتدای جمله عوض کرد. مثال:

- If I were a rich man, I would buy a big house.
- Were I a rich man, I would buy a big house.

تمرینات

-شکل درست فعل‌های داخل پرانتز را بنویسید.

1. If I .....a garden, I will grow flowers in it. ( to have)
2. If you .....me, get in touch with me. (to need)
3. If I .....a pilot, I would fly in the sky. (to be)
4. Could you tell me his number if I .....you? (to ask)
5. If Peter didn't live in a flat he .....a dog. (have)

-تست‌ها

1. I ..... tell you to tell him anything if you were not his close friend.  
a. don't            b. won't            c. wouldn't            d. hadn't
2. If I were you, I .....that coat. It's too expensive.  
a. wouldn't buy            b. won't buy            c. don't buy            d. didn't buy



2. I .....you if I get home before 7:00.  
a. phoned      b. have phoned      c. will phone      d. phone
3. If you .....a wallet in the street, what will you do with it?  
a. are finding      b. found      c. have found      d. find
4. We must hurry. They will get upset if we .....on time.  
a. are not      b. were not      c. do not      d. will not
5. A: "What shall we do tomorrow?"    B: "Well, if it is a nice day, we .....to the park."  
a. could go      b. can go      c. go      d. were going

**Put in the correct verb forms.**

1. If the weather had been better, we .....(to come) by bike.
2. They will stay longer in Paris if they .....(to find) a cheap hotel.
3. If Steven had taken his camera, he .....(to take) nice pictures.

**Put the verbs in brackets into the gaps. Form a Conditional sentence – type I. Only use the will-future in the main clauses.**

**Conditional sentences – type I**

1. If I .....(to study), I .....(to pass) the exams.
2. If the sun .....(to shine), we .....(to walk) into town.
3. If he .....(to have) a temperature, he .....(to see) the doctor.
4. If my friends .....(to come), I .....(to be) very happy.
5. If she .....(to earn) a lot of money, she .....(to fly) to New York.
6. If we .....(to travel) to London, we .....(to visit) the museums.
7. If you .....(to wear) sandals in the mountains, you .....(to slip)on the rocks.
8. If Rita .....(to forget) her homework, the teacher .....(to give)her a low mark.
9. If they .....(to go) to the disco, they .....(to listen) to loud music.
10. If you .....(to wait) a minute, I .....(to ask) my parents.
11. If you .....(to dive) into this river, you .....(to hurt) yourself.
12. If the sun .....(to shine), the children .....(to play) outside.
13. Richard .....(to walk) to school if he .....(to miss) the bus.
14. Emily .....(to buy) a Pepsi if you .....(to pack) the picnic basket.
15. If I .....(to be) in Venice, I .....(to rent) a boat.
16. Michael's teacher .....(to phone) his parents if he .....(to text) in the lesson.
17. If she .....(to answer) this question correctly, she .....(to get) an extra point.
18. My sister .....(to be) angry if I .....(to turn) on the music too loud.
19. Your room .....(to look) much tidier if you .....(to keep) your hamster in the cage.
20. If we .....(to surf) the Internet, we .....(to find) a lot of information about Loch Ness.

**Choose the correct answers in the multiple choice test.**

1. Tell her if you .....her.
2. I would have gone by air if I .....more money.
3. If I were younger .....you marry me?
4. I could have a drink provided I .....drive.
5. If I had lost my job what .....now?

6. I would have eaten the meat if it .....tough.  
 7. If she .....her hairstyle she would be pretty.  
 8. Unless she .....a coat she'll catch a cold.  
 9. If he had asked you what would you .....  
 10. Even if I sleep well I ..... headache.  
 11. What will you do in case Bob .....?  
 12. If we .....see the island.

### وجه وصفی حال و گذشته به عنوان صفت

الف) وجه وصفی حال (صفت فاعلی) (present participle)

این نوع وجه وصفی با افزودن -ing به انتهای فعل‌ها تشکیل می‌شود.

Confuse (گیج کردن)                      confusing (گیج‌کننده)  
 Amuse (سرگرم کردن)                      amusing (سرگرم‌کننده)

\* وجه وصفی حال به عنوان صفت فاعلی می‌تواند قبل از اسم قرار گیرد.

It was a boring class. (کلاس خسته‌کننده‌ای بود.)

2. Some books were left inside the burning school. (چند کتاب درون مدرسه در حال سوختن رها شده بودند.)

\* وجه وصفی حال به عنوان صفت فاعلی می‌تواند بعد از افعال ربطی قرار گیرد.

The movie was interesting. (فیلم جالب بود.)

The dog seemed frightening. (سگ ترسناک به نظر می‌رسید.)

### افعال ربطی عبارتند از:

be (به نظر آمدن) sound (به نظر رسیدن) seem \* (شدن) turn \* (شدن) get \* (شدن) become (بودن)

appear (به نظر رسیدن) remain (باقی ماندن) stay (ماندن) grow (شدن)

ب) وجه وصفی گذشته (صفت مفعولی) (past participle)

همانند فعل‌های زمان گذشته به دو دسته باقاعده و بی‌قاعده تقسیم می‌شوند. صفات مفعولی باقاعده با اضافه شدن **ed** به انتهای فعل‌ها تشکیل می‌شوند. و صفات مفعولی بی‌قاعده را باید حفظ کرد. (معمولاً این نوع صفت‌ها پسوند **t** یا **en** در انتهای خود دارند.)

An educated man (یک مرد تحصیل کرده)

A broken window (یک پنجره شکسته)

A left house (یک خانه ترک‌شده)

\* این صفت‌ها نیز مانند صفات فاعلی قبل از اسم و بعد از افعال ربطی به کار می‌روند.

### تفاوت بین صفات فاعلی و مفعولی

صفات فاعلی القاکننده یا ایجادکننده صفتی هستند، در حالیکه صفات مفعولی پذیرنده حالتی می‌باشند.

The film was boring, so we got bored. (فیلم خسته‌کننده بود (دارای حالت) بنا بر این حوصله ما سررفت. (پذیرای حالت)

معمولاً (نه همیشه) برای موصوف‌های انسان از صفات مفعولی و برای غیر انسان‌ها از صفات فاعلی استفاده می‌شود.

تعدادی از فعل‌ها در این ساختار کاربرد بیشتری دارند:

shock, surprise, excite, bore, frighten, ...

البته در این درس بیشتر به کاربرد صفات مفعولی اشاره شده و ترکیب آنها با حروف اضافه‌های خاص یا ترکیبات ویژه مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

مثال:

bored with, depressed about, frightened to death, interested in, surprised at, tired of , ....

## نکات دستوری و نگارش درس سوم زبان یازدهم

صفات فاعلی بیشتر برای فاعل های انسان یا جاندار (کننده کار) و صفات مفعولی بیشتر برای اشیا (پذیرنده حالت) به کار می روند اما در هر دو حالت استثناهایی وجود دارد.

مثال:

The film was exciting, so the boy got excited.

The little old man was very exciting. Everybody enjoyed being with him.

### کاربرد مصدر در نگارش

در درس گذشته اسم مصدر را مورد مطالعه قرار دادیم. در این درس به بررسی مصدر می پردازیم.

در زبان انگلیسی دو نوع مصدر وجود دارد که عبارتند از مصدر با علامت (to) و مصدر بدون علامت (to)

**کاربرد مصدر با to**: از این مصدر می توان به صورت زیر در جمله ها استفاده کرد:

**الف) در نقش فاعل**: همانند اسم مصدر (gerund)، مصدر با to هم می تواند نقش نهاد یا فاعل جمله را ایفا کند و از نظر معنایی تفاوتی بین

کاربرد مصدر و اسم مصدر در این مورد وجود ندارد و فعل چنین فاعلی همیشه مفرد است.

مثال:

**To learn English** is as difficult as any other skill.

ب) بعد از افعال خاص که به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. افعالی که بلافاصله بعد از آنها مصدر با **to** به کار می رود.

Verb + infinitive with TO				
agree	continue	hesitate	plan	strive
aim	dare	hope	prefer	swear
appear	decide	hurry	prepare	threaten
arrange	deserve	intend	proceed	try
ask	detest	leap	promise	use
attempt	dislike	leave	propose	wait
be able	expect	like	refuse	want
beg	fail	long	remember	wish
begin	forget	love	say	
care	get	mean	shoot	
choose	happen	neglect	start	
condescend	have	offer	stop	

Our manager **agreed to increase** our salaries.

I **promise not to be** late any more.

۲. افعالی که بعد از آنها مفعول می آید و سپس مصدر با **to** به کار می رود.

Verb + object + infinitive with TO				
advise	choose	have	motivate	require
allow	command	hire	order	send
ask	dare	instruct	pay	teach
beg	direct	invite	permit	tell
bring	encourage	lead	persuade	urge
build	expect	leave	prepare	want
buy	forbid	like	promise	warn
challenge	force	love	remind	

I always **advised him to behave** politely.

She **didn't permit her children to stay** out late.

ج. بعد از تعدادی از اصطلاحات و ترکیبات مانند:

**the first, the last, the next**

Gagarin was the first **to fly** in a spaceship.

Peter was the last **to watch** the film.

He is the next **to get** his passport.

د. بعد از انواع صفات به جز **busy** و **worth (y)**

I'm happy **to be** here.

It's better **not to smoke**.

ه. بعد از کلمات سوالی مانند **when, what, where, ...**

I don't know what **to say**.

Can you tell me how **to get** to the bus stop?

برای منفی کردن مصدرهای با **to** کافی است **not** را قبل از **to** قرار دهیم.

I told him **not to go** there.

کاربرد مصدر بدون **to**

در بسیاری از جمله ها هم نوع دوم مصدر یعنی مصدر بدون **to** کاربرد دارد:

الف) بعد از افعال کمکی (**modal (can, may, should, will, must, don't, doesn't, ...)**)

He **can run** very fast.

As a boy he **could run** very fast.

I **may fly** to Africa this summer.

I **might fly** to Africa this summer.

I **must go** now.

You **mustn't smoke** here.

ب) بعد از تعدادی ساختار خاص

***had better, would rather, would sooner, why not, why should we, why should we not,***

You **had better clean up** your room.

Susan **would rather study** for her exam tomorrow.

I **would sooner read** a book than watch this film.

**Why not ask** your neighbor for help?

**Why should we go** by car?

**Why should we not go** by car?

ج) بعد از فعل های مربوط به ادراک (به شرطی که کار پایان یافته باشد) مانند:

***feel, hear, notice, see, watch***

She **feels the rain fall** on her face

I **heard Peter sing** a song.

Mandy **noticed the boy climb** the tree.

They **saw him climb** up the roof.

He **watched the thieves steal** a car.

د) بعد از فعل **let** اگر بعد از آن مفعول آمده باشد.

Sandy **let her child go** out alone.

The mother *let her daughter decide* on her own.

ه) بعد از فعل **make** اگر به معنی "مجبور کردن" یا "باعث شدن" باشد و بعد از آن مفعول آمده باشد.

She *made Peggy and Samantha clean* the room.

نکته ۱: بعد از تعدادی از فعل ها هم مصدر بدون **to** و هم اسم مصدر (-ing) به کار می رود که هیچگونه تغییری در معنی جمله بوجود نمی آید.

**begin, continue, hate, like, love, prefer, start**

He **began talking**./ He **began to talk**.

They **continue smoking**./ They **continue to smoke**.

نکته ۲: تعدادی از افعال هم وجود دارند که اگر بعد از آنها مفعول قرار بگیرد مصدر با **to** می آید اما اگر مفعول نیاید فعل به شکل اسم مصدر یا **ing** دار می آید.

Advise, allow, encourage, permit

They **advise us to walk** to town.

They **advise walking** to town.

They do not **allow smoking** here.

They do not **allow us to smoke** here.

نکته ۳: اگر بعد از فعل **recommend** به معنی "توصیه کردن" مفعول بیاید حتما باید **that** را بعد از آن بیاوریم و سپس مفعول را به صورت ضمیر فاعلی و بعد از آن مصدر بدون **to** قرار می دهیم.

He **recommended that we go**.

نکته ۴: بعد از فعل **help** هر دو شکل مصدر با **to** و مصدر بدون **to** بدون تغییر در معنی به کار می رود.

I **helped her to clean** the room.

I **helped her clean** the room.

نکته ۵: بعد از فعل **stop** هر دو شکل مصدر با **to** و شکل **-ing** دار به کار می رود. اگر منظور متوقف کردن کاری برای همیشه باشد بعد از آن شکل **-ing** دار می آید اما اگر منظور از آن متوقف کردن کاری برای شروع کار دیگری باشد بعد از آن مصدر با **to** به کار می رود.

My father **stopped smoking** for health problems.

We **stopped to have** a rest and buy some food.

نکته ۶: بعد از فعل **remember** هم هر دو شکل مصدر با **to** و شکل **-ing** دار می آید. اگر به یاد آوردن چیزی از گذشته باشد بعد از آن شکل **-ing** دار می آید و اگر منظور آن به یاد داشتن چیزی برای آینده باشد بعد از آن مصدر با **to** می آید.

Everybody **remembers being** in primary school better than other schools.

I **should remember to buy** a tube of tooth paste.

\* تمرینات و تست ها

**A. Complete these sentences with the verbs in brackets.**

1. I've always disliked ..... (smoke)
2. Where did you learn ..... French? (speak)
3. Is the exhibition worth .....? (visit)
4. You'd better ..... him now. (contact)
5. This hall wants ..... (paint)
6. I didn't dare ..... it. (try)
7. I don't mind ..... early. (get up)
8. We'd love ..... with you. (come)
9. She seems ..... this place. (know)
10. I'm sorry ..... that Jane is ill. (hear)
11. Finally, he set out ..... his horse. (find)
12. Did you miss ..... TV? (watch)
13. I was made ..... their offer. (accept)
14. Dentists recommend ..... teeth twice a day. (clean)
15. My teacher recommended me ..... at university. (study)



16. They chose ..... a shower first. (have)
17. Oh, dear. I can't help ..... . (cry)
18. He was so noisy. I asked him to stop ..... . (talk)
19. I hate housework. But I like ..... everything in order. (have)
20. We felt the plane ..... in the storm. (shake)

**B. Complete these sentences with the verbs in the box.**

shout /have / swim/ clean/ text/ read /water/ ski / ask / work / watch/ iron/ live/ go/ come/ play / listen/ ride/ travel /cut

1. You needn't ..... the flowers.
2. We suggested ..... to a restaurant.
3. Did you enjoy ..... the horse?
4. We stopped ..... a rest after three hours drive.
5. Have you finished ..... in the garden?
6. Go on ..... the article.
7. Did you hear him ..... home?
8. I can't stand ..... shirts.
9. Stop ..... at me.
10. I'm looking forward to ..... in the mountains.
11. Let the children ..... with the toys.
12. We'd prefer ..... in a house.
13. We saw her ..... in the lake.
14. Are you interested in ..... to foreign countries?
15. It's no use ..... them about it.
16. When did you start ..... the windows?
17. I prefer ..... to classical music.
18. Your grass needs .....
19. I'm sorry for ..... the message to you. It was rude.
20. I simply love ..... romantic comedies on TV.

**C. Choose the best answer.**

1. They avoided ..... into deep water.  
a. to jump      b. jumping      c. jumped      d. jump
2. The government must spend a lot of money ..... young people.  
a. on educating      b. to educating      c. educating      d. for educate
3. .... a football match in cold weather is not interesting.  
a. to watch      b. watching      c. watched      d. watch
4. I believe that ..... a lot of guests is very difficult.  
a. invite      b. to invite      c. inviting      d. are inviting
5. My roommate suggested ..... out for a walk in the rain.  
a. to go      b. go      c. going      d. went
6. It's time for me .....now.  
a. left      b. leave      c. to leave      d. leaving
7. Do you know .....the repair?  
a. to do      b. to make      c. how to do      d. how to make
8. I'm very hungry. "Why don't we .....something?"  
a. stop be eating      b. stop in eating      c. stop to eat      d. stop eating
9. He refused .....me the money I wanted.  
a. to be giving      b. giving      c. to give      d. give
10. We expected him .....us the truth, but he didn't.  
a. tell      b. to tell      c. told      d. to telling

11. Peter reminded John not .....to post the letter.  
a. forgetting            b. to forget            c. forgotten            d. forget
12. I'd like .....do my homework quickly.  
a. can            b. to be able to            c. should            d. could
13. I'd never allow my children .....like that.  
a. that they behaved            b. behave            c. to behave            d. behaving
14. Babak's friend asked him if he wished .....then.  
a. left            b. leave            c. leaving            d. to leave

## واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

a bag of	یک پاکت، یک کیسه	be afraid of	ترسیدن از	culture	فرهنگ
a bottle of	یک بطری	be called	نامیده شدن	deaf	ناشنوا
a cup of	یک فنجان	be familiar with	آشنا بودن با	decide	تصمیم گرفتن
a few	تعداد کمی	beginner	مُبتدی، تازه کار	despite	با وجودِ
a glass of	یک لیوان	beginning	آغاز ، شروع	development	توسعه، تکامل، ایجاد
a little	مقدار کمی	Belgium	بلژیک	die	مردن
a loaf of	یک قُرْص (نان)	belief	باور، اعتقاد	die out	منقرض شدن
a lot	مقدار زیاد	below	زیر ، پایین	difference	تفاوت
a lot of	تعداد یا مقدار زیاد	besides	علاوه بر	disappear	محو شدن، نابود شدن
a pack of	یک بسته	between	بین دو چیز	early	زود ، اولیه
a piece of	یک قطعه	blank	سفید، جای خالی	endangered	در معرض خطر
a slice of	یک تکه	borrow	قرض کردن	eraser	پاک کن
ability	توانایی	both	هر دو	escape	فرار کردن
about	حدوداً ، در باره ی	brain	مغز	European	اروپایی
absolutely	کاملاً ، مطلقاً	bread	نان	exchange	مبادله کردن
access	دسترسی، دستیابی	broadcast	پخش کردن، انتشار دادن	exist	وجود داشتن
action	عمل، اقدام	by means of	به وسیله ی	experience	تجربه
actually	واقعاً	candle	شمع	explain	توضیح دادن
additional	اضافی	capital letter	حرف بزرگ	explanation	توضیح
adverb of manner	قید حالت	century	قرن	extra	اضافی
all around the world	در تمامِ دنیا	certainly	حتماً	fall down	سقوط کردن، افتادن
among	بین ( چند چیز)	clear	واضح ، روشن	farming	زراعت ، کشاورزی
amount	مقدار	coffee	قهوه	favorite	محبوب ، مورد علاقه
appear	ظاهر شدن	communicate	ارتباط برقرار کردن	few	تعداد ناچیز
appropriate	مناسب ، درخور	communication	ارتباط	fewer	تعداد کم تر
around	اطراف، حدود	confident	مطمئن، دلگرم	first	اول، اولین
artist	هنرمند	consider	در نظر گرفتن	fluently	به طور سلیس و روان
at last	سرانجام	continent	قاره	follow	دنبال کردن
at least	حداقل	countable	قابل شمارش	foreign	خارجی
aunt	عمه، خاله	create	خلق کردن، ساختن	foreigner	فردِ خارجی
available	در دسترس	cultural	فرهنگی	forest	جنگل

## واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم – صفحه ۲

form	شکل، تشکیل دادن	kind	مهربان ، نوع	native	بومی ، محلی
fortunately	خوشبختانه	kitchen	آشپزخانه	nearly	تقریباً
fourth	چهارمین	knowledge	دانش	necessary	لازم
frequently	مکرراً ، بارها	label	برچسب	neighbor	همسایه
give up	دست کشیدن، رها کردن	lake	دریاچه	no matter	مهم نیست
grade	درجه ، رتبه ، کلاس	laugh	خندیدن	notebook	دفترچه
grass	علف، چمن	learner	فراگیر، یادگیرنده	nowadays	امروزه
greatly	زیاد ، به طور عظیمی	less than	کمتر از	object	مفعول ، چیز
hard-working	سخت کوش ، پر تلاش	little	مقدار ناچیز ، کوچک	odd	نامناسب ، عجیب
Here you are.	بفرمایید ( تعارف )	look for	جستجو کردن	office	دفتر کار
high school	دبیرستان	lots of	تعداد یا مقدار زیاد	once	یک بار ، زمانی
hint	نشانه ، اشاره، تذکر	loudly	با صدای بلند	own	خود، دارا بودن
history	تاریخ	luckily	خوشبختانه	pair up	دو تا دو تا
honest	شریف ، صادق	mainly	عمدتاً ، کلاً	paper	ورقه ، کاغذ
honestly	صادقانه	make different	تفاوت ایجاد کردن	parking lot	محوطه پارکینگ
host	میزبان، میزبانی کردن	make a mistake	اشتباه کردن	passage	متن
how many	چه تعداد	make sure	اطمینان یافتن	pattern	الگو ، طرح
how much	چه مقدار	make up	تشکیل شدن	percent	درصد
imagine	تصور کردن	many	تعداد زیاد	period	نقطه ، دوره ی زمانی
impossible	غیر ممکن	mark	علامت ، علامت گذاشتن	person	شخص
improve	بهبود بخشیدن	mean	معنی دادن، منظور داشتن	physical	جسمی
improvement	بهبود	meat	گوشت	pick	چیدن، برداشتن
institute	موسسه، آنستیتو	media	رسانه ها	piece	قطعه ، تکه
interest	علاقه	meet the needs of	برآورده کردن نیاز ها	planet	سیاره
interesting	جالب	melon	خربزه	plenty	زیاد ، فراوان
interestingly	به طور جالبی	mental	ذهنی	plural	جمع
interview	مصاحبه	mention	گفتن، ذکر کردن	point	نکته، متذکر شدن
invite	دعوت کردن	mind	ذهن	popular	محبوب ، مشهور
item	مورد، قلم ، جنس	mother tongue	زبان مادری	population	جمعیت
juice	آب میوه، عصاره	much	مقدار زیاد	powerful	قدرتمند
keep off	دوری کردن	museum	موزه	practice	تمرین ، تمرین کردن

### واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم - صفحه ۳

present	حاضر ، حال	singular	مفرد	turn off	خاموش کردن
price	قیمت	skill	مهارت	twice	دو بار
probable	محتمل ، ممکن	slice	تکه ، برش	type	نوع ، گونه
project	پروژه ، طرح	smart	باهوش ، تیز	uncountable	غیر قابل شمارش
pronoun	ضمیر	society	جامعه	understand	فهمیدن
proper noun	اسم خاص	some	تعدادی یا مقداری	use	به کار بردن
protect	محافظت کردن	someone	کسی	useful	سودمند
quit	رها کردن ، دست کشیدن	somewhere	جایی	valuable	ارزشمند
quite	کاملاً ، نسبتاً	space	فضا ، جا	value	ارزش
range	محدوده ، حیطة	speaker	گویشور ، سخنگو	vary	تفاوت داشتن، متنوع بودن
really	واقعاً	specific	خاص ، ویژه	verb	فعل
rearrange	دوباره مرتب کردن	spoken form	شکل گفتاری	visitor	دیدار کننده
receive	دریافت کردن	start	آغاز کردن، شروع	while	زمانی که
region	منطقه	step	مرحله ، گام	wind power	انرژی باد
remember	به خاطر آوردن	strategy	ساز و کار ، راهبرد	wish	آرزو داشتن، خواستن
repeat	تکرار کردن	subject	فاعل	without	بدون
researcher	محقق	suggest	پیشنهاد کردن	world	دنیا
respect	احترام کردن	surprising	تعجب بر انگیز	written form	شکل نوشتاری
rice	برنج	synonym	مترادف	wrongly	به طور اشتباه
Russian	روسی	system	سامانه ، سیستم	You're welcome.	
scan	بررسی اجمالی، پیمایش سریع متن	take notice of	توجه کردن به		خواهش می کنم (تعارف)
search for	جستجو کردن	tense	زمان (گرامر)		
second	دومین	text	متن		
seek	جستجو کردن	the news	اخبار		
sharpener	مداد تراش	then	سپس		
shop	مغازه ، خرید کردن	therefore	بنابر این		
sign language	زبان اشاره	think of	فکر کردن در باره ی		
similar	مشابه	third	سومین		
simple sentence	جمله ی ساده	through	از راه		
simply	به سادگی ، واقعاً ، حقیقتاً	tiny	بسیار کوچک		
sing	آواز خواندن	try	تلاش کردن		

## واژگان درس دوم کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

a bit	کمی ، اندکی	creative	خلاق	fill	پر کردن
a long time	مدت طولانی	cultural	فرهنگی	finish	تمام کردن
above all	علاوه بر این، مخصوصاً	cure	درمان، معالجه کردن	for sure	با اطمینان
accident	حادثه، تصادف	cycling	دوچرخه سواری	forbid	ممنوع کردن
addict	معتاد	daily exercise	ورزش روزانه	forbidden	ممنوع
addiction	اعتیاد	danger	خطر	frequency	تکرار
again	دوباره	dangerous	خطرناک	fully	به طور کامل
ago	قبل، پیش	death	مرگ	gain weight	وزن اضافه کردن
ahead	جلو ، پیش رو	decrease	کاهش یافتن	general health	سلامت کلی
all right	بسیار خوب	definition	تعریف	gerund	اسم مصدر
alone	تنها، به تنهایی	depressed	افسرده، غمگین	get up	برخاستن
amount	مقدار	details	جزئیات	give up	دست کشیدن، رها کردن
another thing	چیز دیگر	development	توسعه ، پیشرفت	go away	دور شدن
around	حدوداً ، تقریباً	device	ابزار ، دستگاه	go out	بیرون رفتن
asleep	خوابیده	diet	رژیم غذایی	goal	هدف
avoid	اجتناب کردن	disagree	مخالفت کردن	grocery	خواروبار، بقالی
balanced	متعادل، متوازن	discuss	بحث کردن	grow up	بزرگ شدن
behave	رفتار کردن	disease	بیماری	guess	حدس زدن
biking	دوچرخه سواری	dish	غذا، ظرف غذا	habit	عادت
blood pressure	فشار خون	dislike	تنفر داشتن	hang out	با دوستان وقت گذراندن
brain	مغز	disorder	اختلال، بی نظمی	happen	اتفاق افتادن
busy	مشغول	each other	یکدیگر	happiness	شادی
call back	بعداً تلفن کردن	early stages	مراحل اولیه	harm	آسیب، صدمه زدن
calm	آرام	education	تحصیل ، آموزش	harmful	مضر
candy	آب نبات	effect	اثر ، تاثیر	healthier	سالم تر
carrot	هویج	effective	موثر	hearing	شنوایی
carry	حمل کردن، بردن	emotion	احساس	heart attack	حمله ی قلبی
certain	معین ، خاص، مطمئن	emotional	احساسی	heartbeat	ضربان قلب
check in	وارد شدن به هتل	enable	قادر ساختن	hobby	سرگرمی
climb	بالا رفتن	enough	کافی	homeless	بی خانمان
come back	برگشتن	especially	مخصوصاً	homemade dish	غذای خانگی
come on!	زود باش!	event	رویداد، واقعه	how often	چند وقت یک بار
condition	وضعیت	exciting	هیجان انگیز	hurry up	عجله کردن
confuse	گیج کردن، اشتباه کردن	factor	عامل	illness	بیماری
couch potato	بی تحرک، تنبل	feel	احساس کردن	image	تصور

## واژگان درس دوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

imagine	تصور کردن	miracle	معجزه	sadly	متأسفانه
impatient	بی صبر ، بی قرار	mission	ماموریت	sailing	قایق سواری کردن
impossible	غیر ممکن	movie	فیلم	scientific	علمی
in particular	به ویژه	natural	طبیعی	serve	خدمت کردن
in this way	بدین طریق	neighbor	همسایه	service	خدمت
incomplete	ناکامل، ناقص	nervous	عصبی ، مضطرب	serving	پُرس غذا
incorrect	نا درست	normal	طبیعی ، معمولی	shut	بستن
increase	افزایش یافتن	note	نکته ، یاد داشت	skim	نگاه سریع به متن
invention	اختراع	notice	توجه کردن ، تابلو	smartphone	گوشی هوشمند
invitation	دعوت	noun maker	اسم ساز	social	اجتماعی
jogging	پیاده روی تند	oil	روغن ، نفت	socialize	اجتماعی کردن
join	ملحق شدن	onion	پیاز	special	خاص ، ویژه
junk food	غذای ناسالم، هله هوله	opposite	متضاد	specialist	متخصص
keep on	ادامه دادن	paper boat	قایق کاغذی	spend	گذراندن
key point	نکته ی کلیدی	praying	دعا ، نیایش	sportsperson	فرد ورزشکار
laughter	خنده	predict	پیش بینی کردن	stay	ماندن، اقامت کردن
lifestyle	شیوه ی زندگی	prefer	ترجیح دادن	step	گام ، مرحله ، پله
limit	محدود کردن، محدوده	prefix	پیشوند	still	هنوز
line	سطر ، خط	prepare	آماده کردن	suffix	پسوند
look after	مراقبت کردن	preposition	حرف اضافه	suggest	پیشنهاد کردن
look back	نگاهی به عقب انداختن	press	فشار دادن، اتو کردن	take away	از بین بردن، کم کردن
look out	مواظب بودن	prevent	جلوگیری کردن	take part in	مشارکت کردن
lose weight	وزن کم کردن	properly	به طور درست	take time	زمان بردن، طول کشیدن
main idea	ایده ی اصلی	proportion	سهم ، نسبت	title	عنوان
make noise	سروصدا کردن	pyramid	هیرم	topic	موضوع
manner	روش ، حالت ، شیوه	quince	به (میوه)	towards	به سمت
meaning	معنا، مفهوم	quit	رها کردن	translate	ترجمه کردن
measure	اندازه گیری کردن	rarely	به ندرت	turn off	خاموش کردن
medical	مربوط به پزشکی	reality	واقعیت	vacuum cleaner	جارو برقی
medicine	دارو ، رشته ی پزشکی	recreational	تفریحی	valuable	ارزشمند
member	عضو	regular	منظم ، مرتب	various	متنوع ، گوناگون
middle	میان ، وسط	relate to	مرتبط با	wake up	بیدار شدن
middy	نیم روز	relationship	رابطه	watch out	مراقب بودن
mind	اهمیت دادن	replay	باز پخش کردن	wellness	سلامتی
mineral	ماده ی معدنی	rush	شتاب کردن، تعجیل	win	برنده شدن

## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

above	بالای، بیش از	bowing	تعظیم	economy	اقتصاد
accept	پذیرفتن	careful	مراقب، محتاط	education	تحصیل، آموزش
according to	مطابق با	careless	بی توجه، بی احتیاط	element	عُنصر، عامل
achieve	دست یافتن، رسیدن	carpet	فرش	emotional	احساسی، عاطفی
action	اقدام، عمل	catch	گرفتن، رسیدن	enjoy	لذت بردن
add	افزودن، اضافه کردن	certain	خاص، معین	especially	مخصوصاً
adjective	صفت	change	تغییر دادن	essay	مقاله، نوشته
advise	توصیه کردن	cheap	ارزان	everyone	هر کسی
again	دوباره	choose	انتخاب کردن	everything	هر چیزی
agree	موافقت کردن	classmate	همکلاسی	example	نمونه، مثال
also	همچنین	clause	جمله واره، عبارت	excellent	عالی
amazed	شگفت زده	clothing	پوشاک	exist	وجود داشتن
among	بین چند چیز	combination	ترکیب	expect	انتظار داشتن
another part	بخش دیگر	come from	آمدن، حاصل شدن	experience	تجربه
antonym	متضاد	communicate	منتقل کردن	explain	توضیح دادن
appreciate	قدردانی کردن	condition	شرط، وضعیت	face	مواجه شدن
art gallery	گالری هنری	conditional sentence	جمله شرطی	fall	افتادن
artifact	محصول هنری	confused	گیج، مبهوت	falling intonation	آهنگ افتان
artist	هنرمند	correctly	به درستی	false	نادرست
artistic work	اثر هنری	craft	حرفه، پیشه، صنعت	feeling	احساس
artwork	اثر هنری	craftsman	صنعت گر مرد	finish	تمام کردن
ashamed	شرمنده	create	خلق کردن، ساختن	flower	گل
attempt	تلاش کردن، کوشش	cultural	فرهنگی	for instance	به طور مثال
attitude	نگرش، رفتار	custom	سنت، رسم	forget	فراموش کردن
based on	بر اساس	decide	تصمیم گرفتن	former	سابق، قبلی
be able to	توانستن	decrease	کاهش یافتن	fortunate	خوشبخت، خوش شانس
be amused by	سرگرم شدن با	develop	توسعه دادن، ایجاد کردن	future	آینده
be bored with	کسب شدن از	differently	به طور متفاوت	gerund	اسم مصدر
be frightened	ترسیدن از	discuss	بحث کردن	get along with	کنار آمدن با
be surprised at	متعجب شدن از	dislike	متنفر بودن	get back	بازگشتن
be tired of	خسته شدن از	diversity	تنوع، گوناگونی	get depressed about	افسرده شدن به خاطر
beauty	زیبایی	downward arrow	فلش رو به پایین	glad	شاد، خوشحال
begin	شروع کردن	draw	رسم کردن، نقاشی کردن	go well	خوب شدن
behavior	سلوک، رفتار	drive	راندن، رانندگی کردن	good mark	نمره ی خوب
belief	باور، عقیده	each other	یکدیگر	greatly	زیاد، شدیداً
		earn	به دست آوردن (پول)		



## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

greet	احوالپرسی کردن	late	دیر	plan	برنامه داشتن، نقشه
group	گروه، دسته	let's=let us	بیایید...	pleasure	لذت، خوشی
grow up	بزرگ شدن	lifestyle	شیوه ی زندگی	poet	شاعر
handicraft	صنعتِ دستی	light	نور، روشنایی	pottery work	اثر سفالینه
handshaking	دست دادن	like	مثل، مانند	power	قدرت، انرژی
happen	اتفاق افتادن	lucky	خوشبخت	practice	کار کردن، تمرین
have to	مجبور بودن	machine	دستگاه، ماشین	prefix	پیشوند
heart attack	حمله ی قلبی	make noise	سروصدا کردن	present job	شغل فعلی
helpful	مفید، سودمند	man	مرد، انسان	present time	زمان حاضر
historical site	مکان تاریخی	market	بازار، فروشگاه	pressing	فشار
history	تاریخ	mean	معنی دادن	prize	جایزه
holiday	روز تعطیلی	mental	ذهنی	produce	تولید کردن
homeland	سرزمین، وطن	miss	از دست دادن، نرسیدن	promise	قول دادن
hope	امیدوار بودن	mistake	اشتباه	public transportation	حمل و نقل عمومی
hug	در آغوش گرفتن	moral	اخلاق، اخلاقی	quickly	به سرعت
humankind	بشر، انسان	most common	رایج ترین	quite	کاملاً، خیلی، نسبتاً
hurry up	عجله کردن	move	حرکت کردن	really	واقعاً
hurt	صدمه دیدن، آسیب	name	نامیدن	refer to	اشاره داشتن به
idea	ایده، نظر، عقیده	nation	ملت، کشور	reference	مرجع
identity	هویت	natural	ملی	reflect on	بازتاب دادن، نشان دادن
illness	بیماری	nature	طبیعت	relationship	ارتباط، ارتباط
imagination	تخیل، تصور	nearby	نزدیک، اطراف	remember	به یاد آوردن
imagine	تصور کردن	neighbor	همسایه	repeat	تکرار کردن
improve	بهبود بخشیدن	no matter	مهم نیست	report	گزارش کردن
in a right way	به طریقِ درست	objects	اشیا	respect	احترام کردن
in fact	در حقیقت	on time	به موقع	respectful	مودب، آبرومند
include	شامل شدن	opposite	متضاد، مخالف	result	نتیجه، پیامد
including	شامل، از جمله	other than	به جز	richest	غنی ترین
income	درآمد	own	خود	right and wrong	درست و نادرست
infinitive	مصدر با to	palm	کف دست	rise	بالا رفتن، افزایش
information	اطلاعات	part	بخش، قسمت	rising intonation	آهنگ خیزان
introduce	معرفی کردن	pass	گذشتن، قبول شدن	risk	خطر
jump	پریدن	past participle	اسم مفعول	river	رود
just	فقط، صرفاً	phone	تلفن کردن	rug	قالی
kid	بچه، کودک	physical	جسمی		

## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۳

sad	غمگین	such as	از قبیل	without	بدون
sadly	متأسفانه	suffix	پسوند	wood	چوب
satisfied	راضی، خشنود	surprised	متعجب	work	کار، اثر هنری
scan	پیمایش سریع متن	system	سامانه، سیستم	yourself	خودت
seem	به نظر رسیدن	take note	یادداشت کردن		
shared	مشترک	take part in charity	شرکت در امور خیریه		
shocked	شوکه شده	talk about	گفتگو در مورد		
show	نشان دادن	tell the truth	حقیقت را گفتن		
silk	ابریشم	text	متن		
similar	مشابه	the news	اخبار		
simple	ساده	the rest	مابقی، بقیه		
simply	به سادگی، واقعاً	therefore	بنابر این		
skill	مهارت	think about	فکر کردن در مورد		
skillful	ماهر، استادکار	thought	اندیشه، فکر		
sleep	خوابیدن	to death	تا حد مرگ		
slowly	به آهستگی	together	با همدیگر		
smoke	دود کردن، سیگار کشیدن	totally	کلاً، کاملاً		
so excited	بسیار هیجان زده	translator	مترجم		
sociable	معاشرتی، خوش بر خورد	travel	سفر کردن		
at least	حداقل	try	سعی کردن، امتحان		
social	اجتماعی	turn off	خاموش کردن		
society	جامعه	ugly	زشت		
soft	نرم، لطیف	unimportant	بی اهمیت		
somebody	کسی	unique	منحصر به فرد		
something	چیزی	upward arrow	فیلش رو به بالا		
sometimes	گاهی	value	ارزش، ارزش گذاشتن		
sorry	متأسف، ناراحت	vocabulary	واژگان		
souvenir	سوغاتی	wait	منتظر ماندن		
spend	گذراندن	want	خواستن، طلبیدن		
start	شروع کردن	war	جنگ		
step	گام، مرحله، پله	warm	گرم		
strategy	سازوکار	weight	وزن، سنگینی		
stress	فشار، اضطراب	well-known	معروف، نامی		
subject	نهاد، موضوع	wellness	سلامتی		
successful	موفق	whenever	هر گاه		

# “Readings”

***Vision 2 (Grade 11)***

***Student Book - Workbook***

## Reading (Vision Two - Lesson One)

(Student Book: Pages 24 - 25) Translated By: "Jamal Ahmadi"

### "Languages of the world"

### "زبانهای دنیا"

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

زبان سیستم برقراری ارتباط است. آن از شکل های نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. مردم در جامعه از زبان استفاده می کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آن ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می کنند.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

زبانها از یک منطقه به منطقه ی دیگر خیلی فرق می کنند. آن ها آنقدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قاره ی دیگر را درک نکند. جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند. در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ (زبان) وجود دارند.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese.

صحبت کننده های بومی این زبانها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون صحبت کننده، تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ صحبت کننده متغیر هستند. پرتعدادترین زبان دنیا چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می کنند.

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

جالب این که انگلیسی صحبت کننده های بومی کم تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد. آنها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them 'endangered languages. As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

حدود ۵۰ درصد از زبان های دنیا کمتر از ۵۰۰۰ صحبت کننده دارند. در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم تر از ۱۰ صحبت کننده و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ صحبت کننده داشتند. ۵۴۸ زبان با کمتر از ۹۹ صحبت کننده حدود ۸ درصد زبان های دنیا را تشکیل می دهند. ما آنها را "زبان های در معرض خطر" می نامیم. همچنان که صحبت کننده های چنین زبان هایی پیر می شوند و می میرند، زبان هایشان نیز خواهند مرد.



## Reading (Vision Two - Lesson One)

(Workbook: Pages 10 - 11) Translated By: "Jamal Ahmadi"

### "Hints for learning a language better"

#### "نکاتی برای یادگیری بهتر یک زبان"

Learning a new language doesn't always mean sitting in the classroom and studying language books. In fact, language teachers suggest that you do plenty of extra learning outside of school, places like your home or a library near you. There are a number of ways to improve your understanding of the language. For example, if you want to improve your English or any other foreign languages, you should consider some of these hints. If you add a few of these ideas to your day-to-day language learning, you'll certainly see some improvement.

آموختن یک زبان تازه همیشه به معنای نشستن در کلاس درس و مطالعه کتابهای زبان نیست. در واقع، معلم های زبان به شما توصیه می کنند میزان زیادی از آموختن اضافی را در مکان هایی خارج از مدرسه همانند خانه خود یا در یک کتابخانه نزدیک (خانه) خودتان انجام دهید. شیوه هایی برای بهبود بخشیدن فهم شما از زبان وجود دارد. برای مثال، اگر شما می خواهید زبان انگلیسی تان یا هر زبان خارجی دیگری را بهبود ببخشید، باید بعضی از این توصیه ها را در نظر بگیرید. اگر شما تعدادی از این ایده ها را به یادگیری روزانه زیانتان اضافه کنید، کم‌مطمناً تا حدودی پیشرفت خواهید داشت.

- Get a good dictionary. A dictionary is your best friend while you're learning English. یک فرهنگ لغت خوب بخريد. یک فرهنگ لغت، بهترین دوست شماست. درحالیکه مشغول یادگیری زبان انگلیسی هستید.

- Read a lot. Reading is a great way of practicing your English in your own time. Books and newspapers are useful to improve your English.

زیاد بخوانید. خواندن شیوه ای عالی برای تمرین کردن زبان انگلیسی شما در وقت آزادتان است. کتابها و روزنامه ها برای بهبود زبان انگلیسی تان سودمند می باشد.

- Label things in your house. Buy a pack of labels and then write the name of items on them, such as phone, window, etc. This is great for beginners.

بر روی وسایل در منزل خود برچسب بزنید. یک بسته برچسب خریداری کرده و سپس نام وسایل را بر روی آنها بنویسید، همانند تلفن، پنجره، و غیره. این (برچسب زدن) برای مبتدی ها عالی است.

- Practice English whenever you can. It's important that you don't leave your English learning inside the classroom. Make sure you never escape learning.

زبان انگلیسی را هر زمانی که توانستید، تمرین کنید. اینکه شما یادگیری انگلیسی خود را داخل کلاس رها نکنید، مهم است. مطمئن شوید که هیچ وقت از یادگیری فرار نمی کنید.

- Write every day. Try and write something every day using new words and grammar that you've learned.

همه روزه بنویسید. هر روز سعی کنید و مطلبی را با استفاده از واژگان جدید و گرامری که آموخته اید، بنویسید.

- Watch television and movies and listen to good radio programs.

تلویزیون و فیلم تماشا کرده و به برنامه های خوب رادیویی گوش دهید.



## Reading (Vision Two - Lesson Two)

(Student Book: Pages 58 - 59) Translated By: "Jamal Ahmadi"

### "Having a Healthier and Longer Life"

#### "داشتن یک زندگی سالمتر و طولانی تر"

Have you ever thought of a healthy lifestyle to live longer? People can do many things to have a healthier life. Most people have a special diet or do lots of exercise; however, without a careful plan they may hurt themselves.

آیا تاکنون به یک سبک زندگی سالم برای طولانی تر زندگی کردن فکر کرده‌اید؟ مردم می‌توانند چیزهای زیادی انجام دهند تا زندگی سالم‌تری داشته باشند. بیش تر مردم رژیم خاصی دارند یا زیاد ورزش می‌کنند؛ اما بدون یک برنامه‌ی دقیق، آن‌ها ممکن است به خودشان صدمه بزنند.

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First, they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history. In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

برای داشتن یک سبک زندگی سالم‌تر، مردم باید کارهای خاصی را انجام دهند. ابتدا، آنها باید سلامتی عمومی‌شان را چک کنند. اندازه‌گیری فشار خون و ضربان قلب مهم‌ترین چیز برای انجام دادن است. آن‌ها همچنین باید سابقه‌ی سلامت خانواده‌ی خود را بررسی کنند. به این طریق، آنها می‌فهمند که آیا هیچ‌کسی در خانواده بیماری خاصی داشته است (یا نه).

Another thing is paying attention to physical health. For example, eating healthy food helps people live longer and prevents diseases. Eating junk food makes people gain weight, and increases the risk of heart attack. Eating balanced servings of bread, vegetables, fruits, protein, and oil is necessary for everyone. Also, daily exercises improve people's health condition.

مطلب دیگر توجه کردن به سلامت جسمی است. برای مثال، خوردن غذای سالم به مردم کمک می‌کند طولانی تر عمر کنند و از بیماری‌ها پیشگیری می‌کند. خوردن غذاهای بی‌ارزش (هله هوله) باعث چاقی افراد می‌شود و خطر سکته‌ی قلبی را افزایش می‌دهد. خوردن وعده‌های متعادل از نان، سبزی، میوه، پروتئین و روغن برای همه ضروری است. هم چنین، ورزش روزانه وضعیت سلامت افراد را بهبود می‌بخشد.

An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are really busy with their work and usually use technology to communicate.

یک روش مؤثر برای لذت بردن از سبک زندگی بهتر، داشتن روابط سالم با دیگران است. تحقیق اخیر نشان داده است که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می‌دهد. متأسفانه این روزها بعضی از مردم خیلی اوقات خویشاوندان‌شان را ملاقات نمی‌کنند. آنها خیلی مشغول کارشان هستند و معمولاً برای ارتباط برقرار کردن از فناوری استفاده می‌کنند.

Bad habits and addiction can be harmful to health. One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life. Addiction to technology such as using computers for a long time is also dangerous.





**"The Positive and Negative Effects of the Modern lifestyle"**

**"تأثیرات مثبت و منفی شیوه زندگی امروزی"**

The modern lifestyle has had both positive and negative effects on people's lives. Modern technologies have enabled us to have easy access to information, become more creative, experience fast communication, travel easier, and have a more comfortable life. Have you ever imagined a world without the Internet, tablets, mobile phones, airplanes, and vacuum cleaners? Most people cannot do that, as technology is the miracle of our time.

شیوه زندگی مدرن، هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی بر روی زندگی افراد داشته است. فن آوری های مدرن ما را قادر ساخته که دسترسی راحتی به اطلاعات داشته باشیم، خلاقتر شویم، ارتباطات سریع را تجربه کنیم، راحت تر سفر کنیم و زندگی آسانتری داشته باشیم. آیا تا به حال دنیا را بدون اینترنت، تبلت ها، موبایل ها، هواپیماها و جارو برقی ها تصور کرده اید؟ اکثریت مردم نمی توانند این کار را انجام دهند، زیرا فن آوری معجزه ی عصر ما می باشد.

But using new technologies has changed people's lifestyle in a harmful way in this century as well. Some technologies are dangerous to our health and can harm our body. Using mobile phones or surfing the Internet for long hours can increase people's blood pressure and cause sleep problems. Playing video games for long hours makes people nervous and harm their heart and nervous system. Listening to music by headsets can be harmful to one's hearing and even brain. اما استفاده از تکنولوژی های تازه در این قرن، همچنین شیوه زندگی مردم را به شیوه ای مضر تغییر داده است. برخی از فن آوریها برای سلامتی ما خطرناک هستند و می توانند به بدن ما صدمه بزنند. استفاده از موبایل ها یا جستجو در اینترنت برای ساعات طولانی می تواند فشار خون افراد را بالا برده و سبب مشکلات خواب بشود. انجام بازی های ویدیویی برای ساعات طولانی، افراد را عصبی کرده و به قلب و سیستم عصبی آنها آسیبی می رساند. گوش کردن به موسیقی با هدفون ها می تواند برای شنوایی فرد و حتی مغز مضر باشد.

Using technology in a wrong way has created bad habits and new types of addictions. It is not strange now to call someone an Internet or mobile addict. Technology addicts are people with serious problems to control themselves to use various kinds of technology, in particular the Internet, smartphones, tablets and laptops. Technology addicts do not like to socialize with people; instead, they prefer to be alone and spend lots of their time working with their devices. This makes them depressed and impatient.

بهره گرفتن از تکنولوژی به طور غلط، عادات بد و انواع تازه ای از اعتیادها را به وجود آورده است. اینکه الان کسی را معتاد به موبایل یا اینترنت بنامیم، عجیب نیست. معتادهای تکنولوژی، افرادی با مشکلات جدی در بازداشتن خودشان برای استفاده از انواع مختلف فن آوری مخصوصاً اینترنت، موبایل های هوشمند، تبلت ها و لپ تاپ ها هستند. معتادهای تکنولوژی دوست ندارند با افراد معاشرت داشته باشند. در عوض آن، ترجیح می دهند که تنها باشند و مدت زمان زیادی از وقتشان را صرف کار کردن با وسایلشان کنند. این کار، آنها را افسرده و بی حوصله می کند.

Specialists have found different ways to cure technology addicts. To avoid this type of addiction, people should spend more time with their friends and family members, do daily



## Reading (Vision Two - Lesson Three)

(Student Book: Pages 90 - 91) Translated By: "Jamal Ahmadi"

### "Art, Culture and Society"

#### "هنر، فرهنگ و جامعه"

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می کنند. آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت ملت را نشان می دهد و تاریخ یک جامعه را منعکس می کند. در حقیقت، تاریخ بشریت تاریخ هنر است. اگر ما بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن را مطالعه کنیم.

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country. By handicrafts, we mean making decorative items in a skillful way using our hands. Each country and culture has its own handicrafts.

صنایع دستی مثال هایی خوب از هنر و فرهنگ یک کشور هستند منظور از صنایع دستی، ساختن اشیاء تزئینی به روشی ماهرانه با استفاده از دست هایمان است. هر کشور و فرهنگ صنایع دستی خودش را دارد.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asian countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

ساختن و فروختن صنایع دستی روش های خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی کردن فرهنگش به ملت های دیگر هستند. بسیاری از مردم دنیا صنایع دستی تولید می کنند و آنها را به گردشگرها می فروشند. در بعضی از کشورهای آسیایی بخشی از درآمد یک کشور از درست کردن و فروختن صنایع دستی (به دست) می آید.

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs and carpets, etc. If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.

ایران تاریخ پنج هزار ساله از آثار هنری و صنایع دستی شامل سفال، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره دارد. اگر در سراسر ایران سفر کنید، با صنایع دستی عالی به عنوان سوغاتی برای خانواده و دوستانتان به خانه بر می گردید.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them. Persian art is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر دنیا کاملاً معروف است. در تعداد زیادی از موزه های مهم دنیا کلکسیون های خیلی عالی از هنر ایرانی وجود دارد. اگر بخواهیم کشورهایی با غنی ترین تنوع هنر و فرهنگ را نام ببریم، ایران از جمله ی آنها است. هنر ایران به خاطر منعکس کردن ارزش های معنوی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور پهناور، در دنیا معروف است.

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them. Many people of the world appreciate the



## Reading (Vision Two - Lesson Three)

(Workbook: Pages 46 - 47) Translated By: "Jamal Ahmadi"

### "Cultures and Lifestyles"

#### "فرهنگ ها و سبک های زندگی"

Culture is a system of shared beliefs that are common in a society. Often, we think of the food, music, clothing, and holidays that are common in a society as its culture, but these are only some of the elements. Other elements include customs, values, behaviors, and artifacts. Culture is, therefore, a combination of thoughts, feelings, attitudes, and beliefs.

فرهنگ، سیستمی از عقاید به اشتراک گذاشته شده است که در یک جامعه متداول هستند. اغلب، ما غذا، موسیقی، پوشاک و تعطیلاتی (مراسمات) که در یک جامعه رایج اند را به عنوان فرهنگ آن (جامعه) در نظر می گیریم، اما اینها تنها برای برخی از اجزا هستند. سایر اجزا شامل سنتها، ارزشها، رفتارها و صنایع دستی هستند. بنابراین، فرهنگ ترکیبی از افکار، احساسات، نگرش ها و عقاید می باشد.

With more than 190 countries and 7 billion people on earth, it is not hard to imagine that many cultures exist. No matter where you go around the world, you will face people, lifestyles and cultures that are different to what you have. People around the world have very different lives and ways of living. They have different beliefs and customs. So, they usually live and behave according to what they believe to be right and wrong.

با بیش از ۱۹۰ کشور و ۷ میلیارد انسان بر روی کره زمین، تصور کردن اینکه فرهنگ های زیادی وجود داشته باشد، سخت نیست. اینکه کجای دنیا می روید، اهمیتی ندارد، (اما) با مردم، سبک های زندگی و سنتهایی مواجه می شوید که با آنچه دارید فرق دارد. مردم سراسر دنیا، زندگانی و شیوه زندگی خیلی متفاوتی دارند. آنها عقاید و رسومات گوناگونی دارند. بنابراین، آنها معمولاً با توجه به آنچه ایمان به درستی و غلط بودن آن دارند، زندگی و رفتار می کنند.

Learning to respect other cultures is important for having new experiences and learning about the world. One of the first steps to learn about other cultures is to simply accept that there are many different cultures exist other than our own culture. One of the most important ways to learn to become respectful of other cultures is to spend some time reflecting on our own. Then it is important to understand something about other cultures.

آموختن احترام به سایر فرهنگ ها، برای داشتن تجربیات تازه و مطلع شدن در مورد جهان، اهمیت دارد. یکی از اولین قدم ها برای یادگیری در مورد سایر فرهنگ ها، این است که به سادگی بپذیریم که فرهنگ های مختلف زیادی به غیر از فرهنگ ما وجود دارند. یکی از مهم ترین شیوه های محترم بودن در برابر (احترام گذاشتن) سایر فرهنگ ها، این است که وقت بیشتری را صرف منعکس کردن آن (فرهنگ) به فرهنگ خودمان کنیم. بنابراین، مهم است که مطالبی (چیزهایی) در مورد سایر فرهنگها بفهمیم (بدانیم).

For those who want to learn about other cultures, but do not know where to start, a great place to start is reading about the cultures that interest them. In today's world if we all are able to know about other cultures, and respect them, life would be easier for most of us.

برای آنهایی که می خواهند در مورد سایر فرهنگ ها یاد بگیرند، اما نمی دانند از کجا شروع کنند، یک مکان عالی برای شروع، خواندن در مورد فرهنگ هایی است که آنها را (به خود) علاقمند می کند. در دنیای امروز، اگر همه ما قادر باشیم در مورد سایر فرهنگ ها بدانیم و به آنها احترام بگذاریم، زندگی برای بیشتر ما آسان تر خواهد بود.

# *Conversations:*

*(Vision 2 - Grade 11)*

## Conversation (Vision Two - Lesson One)

### Student Book: Pages 19 - 20

Babak Saberian is a translator who works for IRIB. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران کار می کند. او امروز در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم یک دانش آموز دبیرستانی ست. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه ی مدرسه اش است.

**Meysam:** Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

**میثم:** آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتان متشکرم.

**Mr. Saberian:** You're welcome!

**آقای صابریان:** خواهش می کنم!

**Meysam:** I heard you know three languages. Is that right?

**میثم:** من شنیدم شما ۳ زبان بلد هستید. درسته؟

**Mr. Saberian:** Well, actually four languages.

**آقای صابریان:** حُب. راستش چهار زبان (بلدم).

**Meysam:** Four! Really?! What languages do you know?

**میثم:** چهار (زبان)! واقعاً؟ چه زبان هایی را می دونید؟

**Mr. Saberian:** Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well

**آقای صابریان:** من علاوه بر زبان مادری ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی را به خوبی می دانم.

**Meysam:** Interesting! And when did you learn them?

**میثم:** جالبه! و شما چه موقع این زبانها رو یاد گرفتید؟

**Mr. Saberian:** I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

**آقای صابریان:** من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه ی زبان شروع به یادگیری زبان فرانسوی کردم و هنگامی که در مسکو دانشجوی بودم، روسی یاد گرفتم.

**Meysam:** Can you use all of them fluently?

**میثم:** آیا شما می توانید از همه ی آنها به طور روان استفاده کنید؟

**Mr. Saberian:** I know all of them well, but I use English more.

**آقای صابریان:** من همه ی آنها رو خوب بلدم. اما از انگلیسی بیشتر استفاده می کنم.

**Meysam:** OK. Do you think language learning should start as early as possible?

**میثم:** بسیار حُب. آیا شما فکر می کنید یادگیری زبان باید خیلی زود شروع بشه؟





## Conversation (Vision Two - Lesson Two)

### Student Book: Pages 53 - 54

Sina and Behzad are old friends. They have not seen each other for about three months. Behzad has called Sina.

سینا و بهزاد دوستان قدیمی هستند. آنها حدود سه ماه است که یکدیگر را ندیده اند. بهزاد به سینا زنگ زده است.

**Behzad:** Hi Sina. How is it going? I haven't seen you since Norooz.

**بهزاد:** سلام سینا. حالت چگونه؟ من تو را از نوروز ندیده ام.

**Sina:** Hi Behzad. Thanks for calling. I am home most of the time. I do different things like surfing the net and playing computer games.

**سینا:** سلام بهزاد. از تماس متشکرم. من بیشتر اوقات در خانه هستم. من چیزهای مختلفی انجام می دهم مثل گشت و گذار در اینترنت و انجام بازیهای کامپیوتری.

**Behzad:** How about your free time? Going out, jogging, playing football, ...?

**بهزاد:** در اوقات فراغت چگونه؟ بیرون می روی، می دوی، فوتبال بازی می کنی، ...؟

**Sina:** Nope. I rarely go out and hang out with my friends.

**سینا:** نه، من به ندرت بیرون می روم و با دوستانم وقت می گذرانم.

**Behzad:** I see. Reza and I are going to Darband for climbing and walking this Thursday. We really like to see you. Will you come with us?

**بهزاد:** متوجه شدم. رضا و من این پنج شنبه قصد داریم برای کوهنوردی و پیاده روی به "دربند" برویم. ما واقعاً دوست داریم تو را ببینیم. آیا با ما خواهی آمد؟

**Sina:** What?! Oh, no, I haven't been there for a long time. I prefer to stay home and watch my movies on the weekend. I've bought lots of things to eat, too.

**سینا:** چی؟ اوه، نه، من برای مدتی طولانی ست که آنجا نرفته ام. من ترجیح می دهم در آخر هفته در خانه بمانم و فیلم هایم را تماشا کنم. من همچنین چیزهای زیادی برای خوردن خریده ام.

**Behzad:** Come on! Stop being a couch potato! I guess you haven't exercised for a long time. I think you are a bit fat now.

**بهزاد:** برو بابا! این قدر خوره ی تلویزیون نباش! من حدس می زنم تو برای مدت طولانی ورزش نکرده ای. من فکر می کنم الان کمی چاق هستی.

**Sina:** Actually, you're right. I've gained five kilos in three months. I really do not like to move!

**سینا:** راستش رو بخوای، درست می گی. من در ۳ ماه ۵ کیلو چاق شدم. من واقعاً دوست ندارم تحرک داشته باشم!

**Behzad:** See? I told you. Working with computers for a long time makes people sick and depressed. I've read about this somewhere.

**بهزاد:** می بینی! من به تو گفتم. کار کردن با کامپیوتر برای مدت طولانی افراد را بیمار و افسرده می کند. من در این باره در جایی (مطلبی) خوانده ام.

**Sina:** All right. You won!... When and where should we meet?

**سینا:** باشه، تو بردی. کی و کجا باید همدیگر را ببینیم؟

## Conversation (Vision Two - Lesson Three)

### Student Book: Pages 85 - 86

Listen to the conversation between Reza and a tourist.

به مکالمه ی بین رضا و یک گردشگر توجه کنید.

**Reza:** How can I help you, sir?

**رضا:** چطور می توانم به شما کمک کنم، آقا؟

**Tourist:** I am looking for some Iranian handicrafts.

**گردشگر:** من به دنبال تعدادی صنایع دستی ایرانی هستم.

**Reza:** Here you can find a range of Iranian hand-made products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

**رضا:** اینجا می توانید طیفی از محصولات دست ساز ایرانی را پیدا کنید. از فرش (گرفته) تا سفال و کاشی کاری شده، اما کارهای فلزی نمی فروشیم.

**Tourist:** I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

**گردشگر:** من دوست دارم فرش ایرانی بخرم، اما به نظر می رسه بیش از حد گران باشه.

**Reza:** The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

**رضا:** قیمت بستگی به اندازه اش داره. به جاش، می توانید ترمه ی اصفهان یا گبه ی قشقایی بردارید.

**Tourist:** Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

**گردشگر:** وای، این گبه چقدر تاثیر گذاره! قیمتش چقدره؟

**Reza:** It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

**رضا:** اون ۸۵ دلاره. اگر بیش تر از ۱۰۰ دلار بخرید، ۲۰ درصد تخفیف خواهید گرفت. شما می توانید این کاشی خوشنویسی شده را فقط ۳۰ دلار بردارید.

**Tourist:** Well, I'll take both. Please pack them for me.

**گردشگر:** حُب، من هر دو رو بر می دارم. لطفاً آنها را برای من بسته بندی کنید.

**Reza:** Yes, sure.

**رضا:** بله، حتماً.

**Tourist:** Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

**گردشگر:** آیا شما برای این فروشگاه کار می کنید؟ چه کسی این اشیاء زیبا را ساخته؟

**Reza:** Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.



## Lesson 1

### Conversation 1

**A:** How much is this English-to-Persian dictionary?

**B:** It is 30000 Tomans.

**A:** Oh, that's very expensive.

**B:** But it is a very good dictionary. It has more than 50000 words.

**A:** Do you have a smaller and cheaper one? How much is that?

**B:** That's a good one, too. It is 25000 Tomans. Do you want to take a look at it?

**A:** Yes, please.

1. The boy wants an English-to-Persian dictionary.
2. How many words does the first dictionary have? It has more than 50000 words.

..

### Conversation 2

**A:** How much is the ticket?

**B:** It is 4 dollars. How many tickets do you want?

**A:** Fifteen tickets, please.

**B:** Just a moment. Here are your tickets. 60 dollars, please.

**A:** How much?

**B:** 60 dollars.

**A:** Ok, can I pay with my credit card?

**B:** Yes, sure.

1. How much is a ticket? It is 4 dollars.
2. How many tickets does she want? Fifteen tickets.

### What you learned

Last year I traveled to a foreign country. I was there the whole summer. In the first week of my trip, I went to a store to buy groceries. I needed some cheese, some milk, some rice, and some sugar. I also needed some fruit and potatoes. I was walking around the store for 1 hour and finally I found everything I wanted and bought them all.

1. I went to a store to buy groceries.
2. I needed some cheese, some milk, some rice, and some sugar.

## Lesson 2

### Conversation 1

**A:** Have you ever played on any of the school's sports teams?

**B:** Yes, I have played volleyball for two years.

**A:** Are you still on the team?

**B:** No, I have left it.

**A:** Why?

**B:** I want to study more. Maybe I play volleyball in the university.

1. Hamid is on a **volleyball** team.
2. He has quitted the team to **study more**.

..

### Conversation 2

**Farideh:** I have put on weight recently. I don't know what to do.

**Bit:** What have you done to lose weight so far?

**Farideh:** I have tried many different diets but they didn't work.

**Bit:** That's the point. Have you done daily workouts?

**Farideh:** No, I haven't. I don't have time for workouts.

**Bit:** Let me show you some easy moves. First, you need to ... .

1. Farideh wants to **lose weight**.
2. Farideh has tried **many different diets**.

## What you learned

Making just a few changes in people's lifestyle can help them live longer. Research shows that three bad habits have risked people's health in recent years. They are: smoking, not exercising, and not eating enough fruits and vegetables. While at first it seems easy, many people have found changing these things very difficult.

1. Some people have three bad habits. They are: **smoking, not exercising, and not eating enough fruits.**
2. By making just a few changes in their lifestyle, people **may live longer.**

..

## Lesson 3

### Conversation 1

**Mohaddeseh:** We're planning to have an exhibition of Persian art in Paris.

**Pardis:** Wow! I'm amazed to hear that.

**Mohaddeseh:** It's really cool, but not so simple. There are lots of things to do.

**Pardis:** When is it going to be?

**Mohaddeseh:** If all goes well, we will have the exhibition next spring.

**Pardis:** Good! If you need me, I will be honored to help.

**Mohaddeseh:** Oh yes, when we prepare our first plans, we will certainly call you.

1. They are going to **have an exhibition of Persian art in Paris.**
2. If all goes well, **they will have the exhibition next spring.**

### Conversation 2

**Mohammad:** Did you see the notice of Science Olympiad?

**Amir:** Yes, there will be an exam next summer.

**Mohammad:** Are you going to participate in it?

**Amir:** I'm studying hard now. If everything goes well, I will take part in it.

**Mohammad:** Is it a difficult exam?

**Amir:** No, but it needs a lot of hard work.

**Mohammad:** Can I be a part of it, too?

**Amir:** Yes, if you are interested in that, I will help you.

**Mohammad:** Oh, yes. I would love that. Thank you very much.

1. Mohammad is going to **take part in Science Olympiad.**
2. Amir is going to **help Mohammad.**

## What you learned

Art is not just something beautiful. There is so much power in art. Recent studies show that art is helpful for curing diseases. If sick people practice art, their health condition gets better. Art does not need any special ability and everyone can make artworks with simple things like pencils, chalk, and paint. If sick people communicate their feelings with simple artworks, their stress and pains will decrease.

1. Art is helpful for curing diseases.
2. People can make artworks with simple things like pencils, chalk, and paint.